



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

# مطالعه تطبیقی سیاست و اقدامات دیگر کشورها در حوزه دایاسپورا

مطالعه موردی هند، چین، رژیم صهیونیستی و لبنان



مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی اسلامی

مرداد ۱۴۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# فهرست

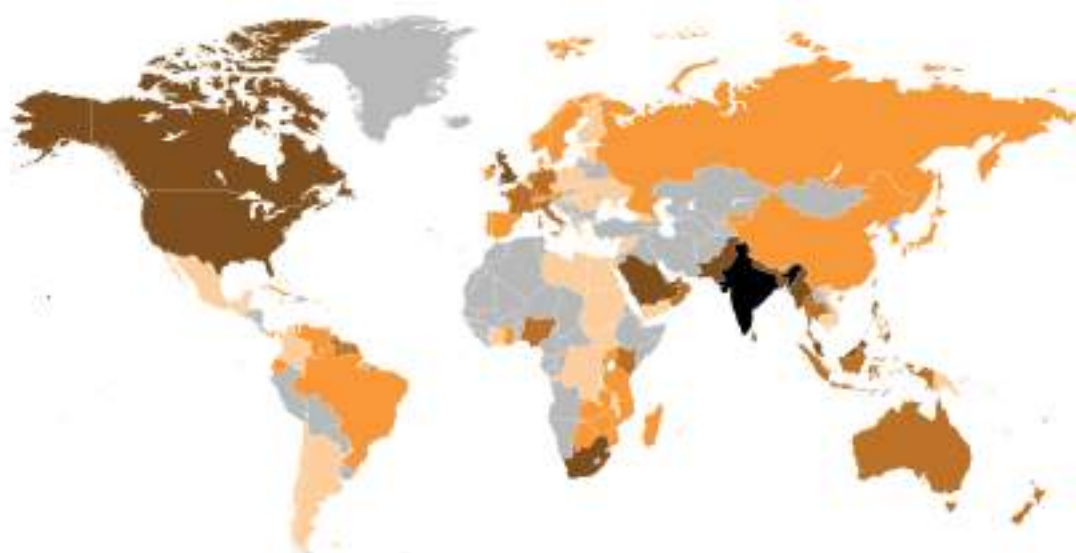
مقدمه	۴
<b>۱- هند</b>	۵
نمای کلی دایاسپورای هند	۷
تحول در سیاست دایاسپورایی هند: روند، ابتکارات و نهادها	۹
ابتکارات سیاستی دولت هند	۱۰
زیرساخت سیاست‌های دایاسپورایی هند	۱۰
سیاست‌های کلیدی در قبال دایاسپورای هند	۱۲
سیاست‌های دایاسپورایی و حمایت اجتماعی در هند	۱۵
<b>۲- چین</b>	۱۷
نمای کلی دایاسپورای چین	۱۹
تحول در سیاست دایاسپورایی چین: ابتکارات و نهادها	۲۱
اقدامات عملی دولت چین در قبال دایاسپورا	۲۲
ساختار نهادهای دایاسپورایی چین	۲۴
موانع و چالش‌های چین در حوزه دایاسپورا	۲۶
<b>۳- رژیم صهیونیستی</b>	۲۷
میزان و پراکندگی دایاسپورا	۳۷
سیاست‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی درباره دایاسپورا	۲۹
چالش‌های رژیم صهیونیستی در حوزه دایاسپورا	۳۳
<b>۴- لبنان</b>	۳۶
تاریخ دایاسپورا	۳۷
پراکندگی جغرافیایی دایاسپورا	۳۸
فشرده‌ندی دایاسپورای لبنانی	۴۰
رابطه دایاسپورا و سرزمین لبنان	۴۱
دولت لبنان و دایاسپورا	۴۲
چالش‌های دولت لبنان در پدیده مهاجرت	۴۴
<b>نتیجه‌گیری و ملاحظات برای جمهوری اسلامی ایران</b>	۴۵
فهرست منابع	۴۸

مساله دایاسپورا و جوامع خارج از وطن نه موضوع جدیدی است و نه اختصاص به کشور خاصی دارد. اما تحولات چند دهه اخیر که بستر ساز اهمیت و اثرگذاری فزاینده آن ها شده است از یک سو و تجربه های موفقیت برخی از کشورها در این حوزه از سوی دیگر باعث شده است تا مطالعات تطبیقی در این زمینه اهمیت دوچندانی پیدا کند. اگرچه تاریخچه، بستر و ماهیت دایاسپورا در رابطه با کشورهای مختلف متأثر از ویژگی های تاریخی، جمعیتی و سیاسی آن ها متفاوت و متنوع است. اما بررسی اقدامات و سیاست های دیگر کشورها و همچنین شناخت چالش ها و راهکارهایی که آن ها برای جذب و اثرگذاری بر جوامع دایاسپورای خود دارند، می تواند تجربیات ارزشمندی را در اختیار سایر کشورها قرار دهد.

ایران نیز مانند بسیاری از کشورها امروزه یک جمعیت مهم و اثرگذار دایاسپورا دارد؛ اگرچه تصور و رویکرد غالب این است که دایاسپورای ایرانی یک نگرش منفی و مخالف به جمهوری اسلامی ایران دارد و در نتیجه بیش از آنکه یک فرصت بالقوه باشد، یک چالش عینی است اما واقعیت این است که بخش اعظم ایرانیان خارج کشور در این مقوله قرار نمی گیرند و چه بسا با اعمال سیاست های دقیق و هدفمند بتوان آن ها را تبدیل به یک منبع قدرت و مشروعیت برای ایران نمود. در واقع، در مقایسه با قشر سفید (طرفدار جمهوری اسلامی) و قشر سیاه (مخالفان جمهوری اسلامی)، بخش اعظم ایرانیان خارج از کشور را همچنان «قشر خاکستری» تشکیل می دهند که فاقد رویکرد ایدئولوژیک و تعصبی در قبال جمهوری اسلامی ایران بوده و بنابراین امکان تعامل و اثرگذاری بر آن ها وجود دارد. علاوه بر این، وجود مولفه های مشترک تاریخی، فرهنگی و هویتی (مانند زبان فارسی، عید نوروز، شب یلدا، شاهنامه و...) در بین ایرانیان سراسر جهان و همچنین تعادل بالای آن ها برای بازگشت به ایران در صورت رفع محدودیت ها و موانع می تواند بستر ساز ایجاد یک جامعه دایاسپورای قوی و منسجم در راستای منافع داخلی و بین المللی ایران باشد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می تواند با رصد دقیق و شناخت ابعاد و پیچیدگی های دایاسپورای خود و همچنین سیاستگذاری دقیق و هدفمند، از این ظرفیت بالقوه استفاده نماید. تعلق و انفعال جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، امکان و فرصت بهره برداری از ظرفیت های جامعه دایاسپورا را برای جریانان اپوزیسیون و کشورهای معاند بر علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم می کند.

به منظور شناخت بهتر مساله دایاسپورا و سیاستگذاری مناسب و موثر در این زمینه، بهره گیری از تجربیات دیگر کشورها می تواند سودمند باشد. در گزارش پیش رو، چهار کشور که هم جوامع دایاسپورای قوی و گسترده ای دارند و هم تجربیات ارزشمند و مفیدی در این رابطه دارند مورد بررسی قرار گرفته اند. کشور هند براساس آمارها بیشترین میزان جمعیت دایاسپورا را دارد و با انجام برخی ابتکارات و سیاست های هوشمندانه توانسته است نه تنها پیوند عمیقی بین جامعه دایاسپورای خود و سرزمین مادری ایجاد کند، بلکه از آن ها در روند رشد و توسعه اقتصادی خود نیز بهره ببرد. چین دیگر کشوری است که جامعه دایاسپورای قوی و منسجمی دارد و تلاش کرده است تا از آن ها در روند توسعه و رقابت خود با غرب بهره ببرد و موفقیت های مهمی هم در این زمینه کسب کرده است. مورد دیگر، رژیم صهیونیستی است که به نوعی یک نمونه منحصر به فرد در مطالعات دایاسپورا محسوب می شود و تقریباً موفق ترین عملکرد را در این زمینه داشته است. در نهایت، آخرین مورد بررسی شده، لبنان است که جمعیت دایاسپورای آن از جمعیت اصلی این کشور بیشتر است و به دلیل ماهیت متنوع و متکثر دایاسپورا و همچنین مشکلات و شکاف های داخلی وضعیت دشوار و پیچیده ای در رابطه با دایاسپورا دارد.

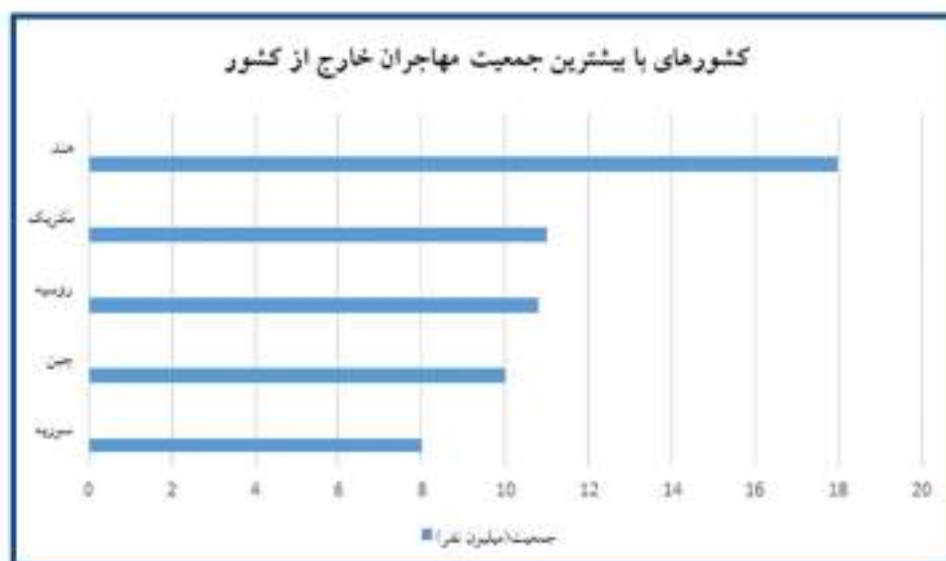
# کشور ہند



### نقشه پراکندگی دایاسپورای هندی در جهان

امروزه کشورهای متعددی را با جمعیت‌های بزرگ دایاسپورایی می‌توان برشمرد، با این حال در میان این کشورها هند همواره جایگاه ویژه‌ای دارد و مورد توجه خاص پژوهشگران مطالعات دایاسپورا بوده است.

علت اولیه و واضح این مساله، جمعیت بزرگ دایاسپورای هندی است که آن را از بسیاری از کشورها متمایز می‌کند. پرجمعیت‌ترین کشور جهان در حال حاضر، بزرگ‌ترین جمعیت دایاسپورایی در جهان را نیز دارا است. در حال حاضر حدود ۱۸ میلیون نفر از شهروندان هندی در خارج از محل تولد خود زندگی می‌کنند. از این نظر دایاسپورای هند به موردی جذاب برای مطالعه بدل می‌گردد. اهمیت و بزرگی این جمعیت را می‌توان در نمودار زیر در مقایسه با سایر کشورها ملاحظه نمود.



نمودار ۱: پنج کشور با بیشترین جمعیت مهاجران خارج از کشور (IOM, ۲۰۲۲)

علاوه بر اندازه جمعیت، دایاسپورای هند از نظر میزان وجوه ارسالی (Remittance) نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و از این منظر نیز رتبه نخست را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است. اما علل اهمیت مطالعه هند محدود به اندازه جمعیت و وجوه ارسالی نمی‌گردد. آنچه که اهمیت دایاسپورای هندی را دوچندان کرده است، نقش ویژه این جمعیت در توسعه ملی این کشور از یک سو و ماهیت سیاست‌هایی است که دولت هند در چند دهه گذشته با اتخاذ آن توانسته است از ظرفیت دایاسپورای هندی بهره‌برد، از سوی دیگر است. شاهد این مساله، که نمونه‌ای درخشان از نقش‌آفرینی دایاسپورا در توسعه ملی بشمار می‌رود، شکوفایی صنعت ICT و IT هند است که بار اصلی آن بر دوش دایاسپورای متخصص هندی بوده است. با این حال این موفقیت بدون جهت‌گیری‌های سیاست‌های دایاسپورایی دولت هند میسر نمی‌گردید و همین مساله است که بر اهمیت مطالعه نهادها و سیاست‌های دایاسپورایی دولت هند در چند دهه گذشته می‌افزاید. از این رو در ادامه، ابتدا نمایی کلی از وضعیت دایاسپورای هندی ازبیه خواهد شد. سپس نهادها، قوانین و سیاست‌های دایاسپورایی دولت هند بررسی و در ادامه به مهم‌ترین مسایل، پیچیدگی‌ها و چالش‌های هند در قبال دایاسپورای خود پرداخته خواهد شد.

### نمای کلی دایاسپورای هند

در حال حاضر تخمین‌های متفاوتی در ارتباط با مهاجران یا دایاسپورای هندی ازبیه شده است. سازمان ملل جمعیت مهاجران هندی را ۱۸ میلیون نفر تخمین می‌زند. وزارت امور خارجه دولت هند بطور رسمی یک تقسیم‌بندی کلی از دایاسپورای خود در نظر می‌گیرد و از اصطلاح کلی «هندی‌های خارج از کشور» به عنوان یک عبارت جامع برای دایاسپورای خود بهره می‌برد (که البته می‌تواند نشان از رویکرد دولت هند به مساله دایاسپورا باشد). این دسته‌بندی به شرح زیر است:

۱- هندی‌الاصل‌ها (People of Origin Indians (POIs)): که عبارت است از افرادی که پدر و مادر آن‌ها هندی بوده و تبار خانوادگی آن‌ها به هندی‌ها باز می‌گردد، اما شهروند دیگر کشورها هستند. جمعیت این گروه از دایاسپورای هندی بیش از ۱۸/۶ میلیون نفر برآورد می‌گردد.

۲- هندی‌های غیرمقیم (Non-Resident Indians (NRIs)): که عبارت است از شهروندان هند که در خارج از کشور سکونت دارند. جمعیت این گروه از هندی‌ها نیز به حدود ۱۳/۵ میلیون نفر تخمین زده شده است. مجموع این دو گروه Overseas Indians یا همان «هندی‌های خارج از کشور» را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب جمعیت هندی‌های خارج از کشور بیش از ۳۲ میلیون نفر است (وزارت امور خارجه هند، ۲۰۲۳).

باید توجه داشت که از آنجا که مطابق با قوانین هند تابعیت مضاعف به رسمیت شناخته نمی‌شود، دولت هند شکلی از شهروندی موسوم به «شهروندی خارج از هند» (Overseas Citizenship of India) ارائه می‌دهد و در همین راستا مدرکی را با نام OCI Card ارائه می‌دهد که گرچه از منظر قانون اساسی هند، معادل با شهروندی نیست، اما افراد دارنده آن را مشمول دریافت حقوق شهروندی شهروندان هند (به جز حقوقی سیاسی مربوط به حق رای یا نامزدی در انتخابات) می‌نماید. بنابراین هند با چنین ابتکار سیاستی عملاً دایره آنچه «دایاسپورا» تلقی می‌شود را گسترش داده است (وزارت امور خارجه هند، ۲۰۲۰).

بنابراین طبق دسته‌بندی سیاستی دولت هند، هندی‌های خارج از کشور را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

- کارگران هندی غیرمقیم که غالباً در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ساکنند؛
- هندی‌های غیرمقیم و هندی‌الاصیل‌هایی که در ایالات متحده، کانادا، استرالیا و اروپا حضور دارند؛
- هندی‌الاصیل‌هایی که حدود ۱۵۰ سال پیش طی مهاجرتی عظیم به کشورهایی چون موریتانی، آفریقای جنوبی، فیجی، مالزی، سنگاپور و... مهاجرت نموده و "دایاسپورای قدیمی" نامیده می‌شوند؛

آنچه که هند را از منظر مطالعات دایاسپورا به موردی مهم تبدیل می‌کند، جمعیت بزرگ دایاسپورای هندی است. هند در حال حاضر (از نظر تعداد) بزرگ‌ترین جمعیت دایاسپورای جهان را داراست. نمود فوری این واقعیت را می‌توان در حجم Remittance هند ملاحظه نمود؛ در حال حاضر سهم Remittance از GDP کشور هند بیش از ۳ درصد است (بانک جهانی، ۲۰۲۳)، که معادل با بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود و هند از این منظر نیز بیشترین حجم Remittance را دارا است (فایننشال اکسپرس، ۲۰۲۳). از نظر پراکندگی جغرافیایی، قاره آسیا میزبان بزرگ‌ترین جمعیت دایاسپورای هندی با بیش از ۱۸/۵ میلیون نفر است. کشورهای عربستان سعودی، نپال، امارات و پاکستان محل اصلی حضور دایاسپورای هندی در آسیا است. نکته مهم در ارتباط با دایاسپورای هندی در آسیا، جمعیت بزرگ این افراد در کشورهای حوزه خلیج فارس همچون امارات، کویت، قطر و عمان و دیگر کشورهای عربی است که غالباً از نوع کارگران مهاجر هستند. قاره آمریکا با بیش از ۶ میلیون نفر، پس از آسیا بیشترین جمعیت دایاسپورای هندی را در خود جای داده است. ایالات متحده آمریکا میزبان جمعیتی حدود ۴/۵ میلیون نفر و کانادا حدود ۱/۶ میلیون نفر بزرگ‌ترین میزبانان شهروندان هندی و هندی‌الاصیل‌ها هستند. هندی‌های ساکن در منطقه آمریکای شمالی، در قیاس با سایر مناطق، سطح تحصیلات و ثروت و منزلت اجتماعی بالاتری دارند که علت اصلی آن جذابیت این کشورها از نظر فرصت‌های تحصیلی و اقتصادی و ارتقاء اجتماعی و البته انگلیسی‌زبان بودن این کشورها است. قاره اروپا، سومین محل تمرکز دایاسپورای هندی است و هر یک از کشورهای بریتانیا و آلمان هر یک با حضور حدود ۱/۸ میلیون نفر از هندی‌های خارج از کشور، بیشترین جمعیت هندی‌ها را دارند. قاره‌های آفریقا و اقیانوسیه از این منظر در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند (وزارت امور خارجه هند، ۲۰۲۳).



## تحول در سیاست دایاسپورایی هند: روند، ابتکارات و نهادها

دیدگاه هند درباره دایاسپورای خود تحولات گسترده‌ای به خود دیده است که انعکاس آن را می‌توان در طراحی سیاست‌های دایاسپورایی مشاهده نمود. تا اواسط دهه ۱۹۹۰، نهادهای دولتی نگرشی منفی سیاستی به دایاسپورای هندی داشتند که بطور خلاصه به شرح زیر بوده است:

“دایاسپورای هند در برگیرنده سه گروه است: نخست آنهایی که در دوره استعمار مهاجرت کرده و در نقاط دوری چون کارائیب، آفریقا و فیجی زندگی می‌کنند و از مشکلات و سختی‌های اجتماعی بسیاری در برابر جمعیت بومی رنج می‌برند و به همین دلیل ارتباط برقرار کردن با آنها بی‌فایده است. دوم مهاجران بسیار ماهر و متخصص که در کشورهای صنعتی غربی سکونت دارند و اکثر آنها از آموزش رایگان در هند بهره برده و بخاطر منافع شخصی هند را ترک کرده‌اند؛ بدون آنکه به پیشرفت کشور خود اهمیت دهند. سوم، کارگرانی که بصورت موقت به کشورهای حوزه خلیج فارس مهاجرت می‌کنند و پرداخت‌های انتقالی آنان برای جامعه هند ضروری است.” چنانکه کمیته عالی دایاسپورای هند نتیجه می‌گیرد: “بجز بعضی از افراد خاص و معروف در صنعت فناوری اطلاعات و بخش‌های سرگرمی خارج از کشور، دایاسپورای هند غالباً از چشم هندی‌ها غایب بوده و هندی‌ها از آن آگاه نبودند”

بنابراین تنها در دهه‌های اخیر بوده که طی روندی ثابت و آرام، دایاسپوراها مورد توجه دولت هند قرار گرفته‌اند. پس از استقلال هندوستان در سال ۱۹۴۷، جواهر لعل نهرو دایاسپوراهای هندی را جوامعی دانست که بیرون از قلمرو سیاست‌های داخلی و خارجی هند قرار می‌گیرند. وی همچنین از هندی‌های خارج کشور خواست که هر چه بیشتر تلاش نمایند تا در جامعه میزبان ادغام گردند. این بی‌مهری سیاستی نسبت به هندی‌های خارج از کشور تا دهه ۱۹۸۰ نیز ادامه داشت. پس از آن روند متفاوت هرچند آرام ولی با ثبات در دستور کار قرار گرفت که اتخاذ سیاست‌های مشخصی را درقبال هندی‌های خارج از کشور در پی داشته است. این تحول پارادیمی بواسطه نقش‌آفرینی عوامل داخلی و خارجی، ذهنی و عینی رخ داد و اکنون تصویری به شرح زیر وجود آمده است:

“دایاسپورای گسترده هندی تمام قاره‌ها و بیش از ۱۰۰ کشور را پوشش داده است. دایاسپورای ساکن در کشورهای غربی ثروتمند بوده و مایه افتخار هند هستند. هندی‌های خارج از کشور سفیران درخشان تمدن عظیم هند به حساب می‌آیند. آن‌ها با فرستادن پرداخت‌های انتقالی، یک دارایی بزرگ برای کشور بوده و همچنین “ذخیره استعداد” واقعی برای هند محسوب شده که می‌توان از آن بهره برد.” این تحول پارادیمی را می‌توان در موضع‌گیری‌های رسمی نیز مشاهده نمود: “اگر امروز امپراتوری‌ای وجود داشته باشد که خورشید در آن غروب نکند، آن امپراتوری فرزندان هند است که امروزه در آسیا، آفریقا، استرالیا، اروپا و قاره آمریکا و حتی قطب جنوب زندگی می‌کنند.”

یا در موضع‌گیری حزب مردم هند که دولت را از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ در اختیار داشت و در این دوره سیاست‌های دایاسپورایی جدید بسیاری شکل گرفت می‌خوانیم: "دستاورد‌های روزافزون دایاسپورای گسترده هند مایه افتخار و غرور و نقطه قوت هند است". این تحولات، رابطه دایاسپورای متفد هندی که در سراسر جهان پراکنده شده‌اند را اصلاح و تحکیم نمود و تلاش گردید که چهره جهانی هندی‌های خارج از کشور به عنوان بازیگران جدی اقتصادی و فن‌آورانه تصویر گردد. این تحول پارادایمی مهم را می‌توان تحول از پارادایم "دایاسپورای نامرئی" به "امپراتوری دایاسپورایی" و یا تحول از "خیانتکاران کشور" با "مایه غرور کشور" دانست. در واقع در پرتو همین تغییر ادراک از مهاجران بود که مجموعه‌ای از سیاست‌های دایاسپورایی اتخاذ گردید.

### ابتکارات سیاستی دولت هند

- تلاش‌های جدید هند در راستای سیاست‌های دایاسپورایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:
- تاسیس شبکه‌های دانش دایاسپورایی فناوری اطلاعات و ارتباطات محور برای جذب منابع دانش دایاسپورای هندی به منظور تقویت پروژه‌های مشارکت عمومی-خصوصی؛
- تاسیس پنجره واحد خاص به منظور تسهیل روند و تشویق هندی‌های خارج از کشور برای سرمایه‌گذاری در داخل؛
- عملیاتی کردن طرح پرداخت‌های انتقالی الکترونیکی برای هندی‌های خارج از کشور به منظور تسریع انتقال پول و کمک به اقتصاد؛
- طرح برنامه‌های بورسیه تحصیلی برای فرزندان هندی‌های خارج از کشور جهت تحصیل در هند؛
- گسترش برنامه "هند را بشناس" به منظور تقویت پیوندهای جوانان نسل دوم و سوم با هند و شناخت بیشتر آن‌ها از وطن خود؛
- عملیاتی کردن طرح شهروندی خارج از کشور هندوستان؛

### زیرساخت سیاست‌های دایاسپورایی هند

در سال ۲۰۰۴ هند "وزارت امور هندی‌های خارج از کشور" را تاسیس نمود که معاونت‌های مشترکی با سایر بخش‌های دیگر داشت تا بتواند همه گروه‌های سه‌گانه را پوشش دهد. دفاتر دولتی مربوط به دایاسپورا به سرعت در دهه اخیر در سرتاسر جهان گسترش یافته‌اند. این در حالی است که در دهه ۱۹۸۰ تنها تعداد انگشت‌شماری از این دفاتر در کشورهای معدودی وجود داشت. تا سال ۲۰۱۴ در بیش از نیمی از کشورهای عضو سازمان ملل این نهادها تاسیس شدند.

با این حال در سال ۲۰۱۵، دولت نارندا مودی وزارتخانه امور هندی‌های خارج از کشور را با وزارت امور خارجه ادغام نمود و اکنون بخش عظیمی از امور دایاسپورایی در این وزارتخانه اداره می‌شود.

در وزارت امور خارجه هند، مسئولیت امور دایاسپورا به دفتر "امور هندی‌های خارج از کشور" سپرده شده است که در برگیرنده "حمایت از مهاجران" می‌باشد و بر نیروی کار (غالباً موقتی و کم‌مهارت) متمرکز شده است. تا سال ۲۰۰۴ بخش "حمایت از مهاجران" در وزارت کار قرار داشت. این بخش بر حمایت از کارگران مهاجر کم‌مهارت در کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر نقاط جهان متمرکز شده است. سایر بخش‌های دفتر امور هندی‌های خارج از کشور در وزارت امور خارجه بر دو دسته دیگر از جمعیت مهاجر متمرکز شده‌اند. سفارت‌ها و کنسول‌گری‌های وزارت امور خارجه در ۱۶۰ کشور و کنسول‌گری‌های افتخاری در ۳۶ کشور پاسخگوی نیاز جمعیت هندی خارج از کشورند. این وظیفه وزارت امور خارجه با همراهی تعداد زیادی از بخش‌های مستقل یا نیمه مستقل انجام می‌شود. بخصوص "مرکز مهاجرت هند" و "شورای روابط فرهنگی هند". مرکز مهاجرت هند که تحت کنترل دولت است در واقع اندیشکده‌ای است که به پژوهش و مطالعه بر مهاجرت کارگران هندی برای اشتغال می‌پردازد و به سیاست‌گذاری بهتر در این زمینه کمک می‌کند. شورای روابط فرهنگی هند نیز با حمایت وزارت امور خارجه هند، ارشدترین سازمانی است که سیاست‌های فرهنگی مربوط به هندی‌های خارج از کشور را طراحی و پیاده می‌کند.

وزارت امور خارجه همچنین عهده‌دار "مراکز منابع کارگران" در امارات متحده عربی، عربستان سعودی و مالزی است. آن‌ها خدماتی شبانه‌روزی چه برای مهاجران بالقوه و چه هندی‌های خارج از کشور ارائه می‌دهند و همچنین پلتفرمی الکترونیکی را به ۱۱ زبان هند تدارک دیده‌اند. این مراکز خارجی با پنج مرکز داخلی "مراکز منابع مهاجران" واقع در کوچی، حیدرآباد، گورگااون، لاک‌ناو و چنای تکمیل می‌گردند.

هدف کلی این مراکز حمایت‌های رفاهی از کارگران هندی در زمینه‌های مختلف قانونی، اجتماعی و مالی است. بدلیل آنکه هند ساختار غیرمتمرکز حکمرانی دارد، بعضی از ایالات چارچوب‌های نهادی و تنظیم‌گری مستقلی برای جمعیت دایاسپورایی و مهاجر ترتیب داده‌اند. حداقل ایالت‌های گجرات، کرالا و پنجاب سیاست‌هایی فعال مربوط به جمعیت مهاجر دارند.

از سال ۱۹۹۸، دولت گجرات اداره مجزایی برای "گجراتی‌های غیرمقیم" داشته است. هدف موسسه "گجراتی‌های غیرمقیم ایالت گجرات" ارتقا پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و زبانی میان خانواده جهانی گجراتی‌ها و تحقیق در باب امکان چگونگی نقش آفرینی هندی‌های غیرمقیم و گجراتی‌های غیرمقیم در راستای توسعه ایالت و یافتن حوزه‌هایی است که حکومت می‌تواند از کمک آن‌ها بهره‌برد. در کرالا، "اداره امور کرالایی‌های غیرمقیم" در سال ۱۹۹۶ تاسیس شد و ۶ سال بعد سازمان میدانی آن با نام نوکرا -روتس به وجود آمد. همچنین در سال ۱۹۹۶، مجمع هندی‌های غیرمقیم پنجاب به عنوان سازمانی غیردولتی که هدف اولیه آن تقویت پیوندهای دایاسپورای پنجابی با مردم و فرهنگ وطن و رسیدگی به مسائل آنان است شکل گرفت. این مجمع علی‌رغم هویت آن بعنوان یک سازمان مردم‌نهاد، توسط مقام دولتی در امور هندی‌های غیرمقیم اداره می‌شود. علاوه بر این دولت پنجاب دپارتمان امور هندی‌های غیرمقیم را تاسیس کرد. علاوه بر سه ایالت اشاره شده، بسیاری از ایالات مراکز ایالتی هندی‌های غیرمقیم را تاسیس کرده‌اند که هدف آن تسهیل روابط با هندی‌های خارج از کشور و رسیدگی به مسائل آن‌هاست.

### سیاست‌های کلیدی در قبال دایاسپورای هند

در طول ۲۰ سال گذشته، نهادهای دولتی هند طیفی وسیع از سیاست‌ها برای برقراری ارتباط و مشارکت دایاسپورای خود طراحی کرده‌اند که مهمترین آن‌ها به شرح زیر است:

مشارکت و نمایندگی: در حالی که مکانیزم‌های نمایندگی و ارتباط‌گیری مشخصی بین دولت مرکزی و هندی‌های خارج از کشور وجود نداشت، از سال ۲۰۰۳ دولت کنفرانس عظیمی را با نام Pravasi Bhartiya Divas برگزار کرده است. یکی از اهداف کنفرانس اینست که به ارائه مشاوره به دایاسپورا و کارگران مهاجر پردازد. در سطح منطقه‌ای، در ایالت پنجاب، "مجمع هندی‌های غیرمقیم" نقش بدنه مشورتی برای سیاست‌گذار را بازی می‌کند که شامل مقامات دولتی و همچنین منتخبان هندی‌های غیرمقیم است.

تا پیش از ۲۰۱۰ بجز دیپلمات‌های هندی و گروه‌های معدودی، شهروندان هندی اجازه رای دادن در انتخابات هند را نداشتند. با این حال قانون ۲۰۱۰ نمایندگی مردم، به هندی‌های غیرمقیم اجازه رای‌دهی داد. رای‌دهندگان این قشر لازم بود که بصورت فیزیکی در روز رای‌دهی به هند باز گردند و امکانی برای رای‌دهی از راه دور وجود نداشت. همین مشکل باعث شد که در پایان سال ۲۰۱۷ دولت قانون جدیدی را تصویب کند که امکان رای‌دهی غیرحضوری را فراهم می‌نمود. با این حال این قانون الغا شد و تاکنون نیز جایگزینی برای آن ارائه نشده است. لازم به ذکر است که احزاب سیاسی سازمان‌هایی وابسته به خود از جمله "دوستان هندی‌های خارج کشور" و "کنگره ملی هندی‌های خارج از کشور" را جهت گسترش ارتباط با دایاسپورا تشکیل داده‌اند.

**سیاست‌های اقتصادی:** هندی‌های خارج از کشور از دیرباز به عنوان نمونه موفق رابطه مثبت بین مهاجرت و توسعه شمرده شده‌اند (کاپور، ۲۰۱۰، نواجوکس ۲۰۱۳). به همین دلیل در ۲۰ سال گذشته، سیاست‌های اقتصادی معطوف به هندی‌های خارج از کشور در مرکز توجه دولت هند بوده است. برای نمونه از آنجا که محدودیت‌هایی هم برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری پورتفولیویی وجود دارد، دولت هند طیفی از قوانین مخصوص برای تسهیل سرمایه‌گذاری هندی‌های غیرمقیم را ترتیب داده است. هند حساب‌های سپرده خاصی را برای هندی‌های غیرمقیم در نظر گرفته است. در دهه ۱۹۷۰ هند احساس کرد که نیاز است تا ذخایر ارزی خود را افزایش دهد. به همین منظور، طرح‌های سپرده خاصی را برای هندی‌های غیرمقیم در نظر گرفت. از ۱۹۹۰ به این سو، سیاست‌ها بر نقدشوندگی این سپرده‌ها متمرکز بوده که می‌تواند برای ثبات اقتصاد هند مفید باشد و به همین دلیل نیز این کشور به دنبال جذب سپرده‌های پایدارتر بوده است. به منظور افزایش جذابیت طرح‌هایی، این حساب‌ها می‌توانند در هر دو قالب ارزی یا پول ملی ارائه شوند. همچنین این حساب‌ها نرخ سود بالاتری نسبت به حساب‌های عادی داشتند و شامل معافیت‌هایی مالیاتی می‌شدند.

در حالی که سیاست سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هند اجازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرکت‌های مربوط به معاملات املاک را نمی‌دهد و سرمایه‌گذار خارجی تنها می‌تواند در شهرسازی، ساخت زیرساخت‌ها و ساخت مسکن وارد شود و همچنین شرایط مشخصی - همچون حداقل سرمایه‌گذاری ۵ میلیون دلار در ۶ ماه نخست پروژه - برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی غیردایاسپورایی تعیین شده است. این محدودیت‌ها برای سرمایه‌گذاری هندی‌های غیرمقیم اعمال نمی‌شود. البته هیچ مشوق مالی برای هندی‌های خارج از کشور برای خرید املاک وجود ندارد اما هند قانونی را تصویب کرده است که طبق آن به هندی‌های خارج از کشور اجازه خرید ملک را می‌دهد. علاوه بر این، زمانی که اقتصاد هند نیاز ضروری به ارز خارجی داشت، هند سه طرح ارز خارجی دایاسپورایی را کلید زد. در کل هند ۱۱/۳ میلیارد دلار ارز از این سه طرح بدست آورد که به منظور کمک به اقتصاد کشور در بحران تراز تجاری ۱۹۹۱ مورد استفاده قرار گرفت و در ادامه به تقویت اقتصاد هند که از تحریم‌های ایالات متحده و بانک جهانی به دلیل آزمایش اتمی در سال ۱۹۹۸ رنج می‌برد کمک نمود و آثار منفی آن را خنثی کرد. سازمان‌های فراملی دایاسپورای هندی، در کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی هند مشارکت داشته‌اند. به همین دلیل، دولت هند به دنبال جذب مشارکت آن‌ها است. با این حال، بدلیل عدم اعتماد کلی هند به همکاری خارجی، مشارکت سازمان‌های دایاسپورایی هندی در هند تحت قانون تنظیم‌گری همکاری خارجی<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۶ به شدت قانونمند شد.

این قانون کمک‌های خیریه‌ای از هندی‌های خارج از کشور را به پروژه‌های توسعه‌ای محلی هدایت می‌کند که توسط دولت معین شده بکار گرفته می‌شود. علاوه بر این، هند توافق منع مالیات مضاعف را با بیش از ۱۳۰ کشور امضا نمود. به منظور پاسخگویی به تقاضای شهروندی مضاعف و ذیل استراتژی مشارکت دایاسپورا در اقتصاد، هند از دو نوع مدرک ویژه رونمایی کرد. در سال ۱۹۹۹، دولت هند "کارت هندی‌الصل‌ها" را معرفی کرد و در سال ۲۰۰۳ امکان "شهروندی هندی‌های خارج از کشور" قانونی شد و در سال ۲۰۰۵ عملیاتی گردید. در ژانویه ۲۰۱۵، طرح کارت هندی‌الصل‌ها رسماً در طرح شهروندی هندی‌های خارج از کشور ادغام شد. تا پایان سال ۲۰۱۷، تقریباً ۳/۲ میلیون نفر از هندی‌الصل‌ها شهروندی را بدست آوردند که نیمی از آن‌ها در ایالات متحده و کانادا و حدود ۲۰ درصد نیز در بریتانیا بودند.

سیاست‌های فرهنگی و آموزشی: "شورای روابط فرهنگی هند" اصلی‌ترین نهاد موجود برای ارتقاء فرهنگ هند در خارج از کشور است. در حالی که این نهاد خدماتی فرهنگی را به دایاسپورای هندی ارائه می‌دهد، اما تلاش‌های آن تنها محدود به جوامع دایاسپورایی هند نیست و هدف آن همچنین ترویج روابط فرهنگی و درک متقابل بین هند و سایر کشورها نیز است. این شورا ۳۰ مرکز فرهنگی هند را در کشورهای مختلف اداره می‌کند و همچنین فاند‌هایی را برای کرسی‌های دانشگاهی مربوط به هند ارائه می‌دهد. در کشورهایی که جمعیت بزرگ هندی وجود دارد، این مراکز بر تدریس رقص، موسیقی، زبان و یوگا فعالند و روزهای ملی را جشن گرفته و فستیوال‌هایی برگزار می‌کنند. علاوه بر این از سال ۲۰۰۶، برنامه بورسیه تحصیلی فرزندان دایاسپورا به مبلغ ۴ هزار دلار سالانه برای ۱۰۰ تا ۱۵۰ هندی خارج از کشور را در مقطع کارشناسی ارائه می‌دهد که هدف آن دسترس‌پذیر نمودن آموزش عالی برای فرزندان هندی‌های خارج از کشور و ارتقاء هند بعنوان مرکزی برای تحصیلات عالی است.

برنامه دیگر دولت هند "برنامه یافتن ریشه‌ها" است که هدف آن کمک به هندی‌الصل‌ها برای ردگیری ریشه‌های خود از طریق همکاری با سازمان‌های خصوصی است. جهت تضمین تداوم پیوندها با اجداد مهاجر هندی خود- که به "نسل‌های پس از نسل دوم" معروفند- دولت هند "برنامه هند را بشناس" را ترتیب داده است که برنامه‌ای سه هفته‌ای برای آشنایی جوانان دایاسپورای هندی با هند و وجوه مختلف زندگی در هند و همچنین دستاوردهای آموزشی، اقتصادی، صنعتی، علم و تکنولوژی، فناوری اطلاعات و فرهنگ می‌باشد.

## سیاست‌های دایاسپورایی و حمایت اجتماعی در هند

از آنجا که هند جمعیت بزرگی از نیروی کار مهاجر در سایر کشورها دارد و بسیاری از آن‌ها دسترسی محدودی به سیاست‌های حمایت اجتماعی دارند؛ این کشور تعداد قابل توجهی از سیاست‌های حمایت اجتماعی را برای حمایت‌های فراملی از شهروندان خود در خارج از کشور ترتیب داده است. بسیاری از این سیاست‌ها به افراد با ملیت هندی در کشورهایی خاص محدود می‌شود، از جمله کشورهای شورای همکاری خلیج فارس. سیاست‌های رفاهی و حمایت اجتماعی برای هندی‌های خارج از کشور شامل طرح اعانه MGPSY برای هندی‌های غیرمقیم، کمک‌های مالی و قانونی، طرح PBBY و همچنین ICWF است.

از سال ۲۰۰۹، ICWF به شهروندان هندی خارج از کشور که از لحاظ اقتصادی تحت فشار بوده و یا نیاز ضروری به کمک دارند، بر اساس شناسایی "مستحق‌ترین افراد" طبق معیارهایی مشخص کمک‌هایی نموده است. همچنین این کمک‌ها بدون بازپرداخت است. این کمک‌ها شامل کمک قانونی و مالی به زنان ترک شده، خیانت دیده و یا مورد سوء استفاده قرار گرفته توسط سایر هندی‌های خارج از کشور؛ نیازهای اورژانسی سلامت برای حوادث خطرناک؛ پرداخت جریمه‌های جرم‌های خرد هندی‌های خارج از کشور همچون "اقامت غیرقانونی در کشور میزبان" که بوضوح مشخص شود ناشی از تقصیر کارگر نبوده باشد و همچنین کمک به بازگرداندن شهروندان هندی خارج از کشور می‌شود. گروه‌های هدف بیان شده شامل "هندی‌های خارج از کشوری هستند که در کشور مقصد توسط افرادی فریب خورده‌اند، خدمتکاران فرار کرده، قربانیان سوانح، زنان ترک شده از سوی جمعیت هندی‌های خارج از کشور یا بدون مدرک یا هر هندی خارج از کشوری است که تحت فشار اقتصادی قرار دارد." همچنین قوانین ICWF به کنسول‌ها اجازه می‌دهد که هزینه انتقال اجساد هندی یا کفن و دفن را پرداخت نمایند، در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶، کنسول‌های هند از این طریق برای ۸۰ هزار هندی کمک فراهم کردند. طرح PBBY بیمه‌ای اجباری است که هدف آن مراقبت از کارگرانی است که پاسپورت ECR داشته و برای کار به کشورهای مورد نظر پاسپورت ECR می‌روند و شامل ۱۸ کشور می‌شود. این طرح ابتدا در سال ۲۰۰۳ شروع شد و در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ و ۲۰۱۷ با هدف تقویت پوشش کارگران مهاجر اصلاح شد. در سطح منطقه‌ای، نیز ایالات کرالا طرح رفاهی مشابهی دارد.

با توجه به شبکه‌ها و پیوندهای قوی دایاسپورایی هند، دولت هند تلاش گسترده‌ای مبتنی بر برنامه ریزی متمرکز انجام نداده و تلاش داشته نقشی تسهیل‌گر ایفا نماید. باید توجه داشت این الگوی سیاست دایاسپورایی هند در بستری با میراث دایاسپورایی قوی بکار بسته شده است و نباید تصور کرد این سیاست دایاسپورایی به راحتی قابل استفاده توسط سایر کشورهاست.

هند توانسته از توان دایاسپورایی خود به مثابه ابزاری برای استراتژی توسعه ای خود بهره ببرد. از یک سو پرداخت های انتقالی، سهمی قابل توجه در پیشبرد توسعه هند داشته است و از طرف دیگر هند توانسته با بهره گیری از دایاسپورای خود صنایع فناوری اطلاعات و فناوری اطلاعات و ارتباطات خود را به شکل چشم گیری توسعه داده و منافع بسیاری را برای سایر بخش های اقتصاد به ارمغان آورد. این واقعیت نشان دهنده ظرفیت دایاسپورا برای نقش آفرینی در توسعه ملی است، البته باید توجه داشت که شکوفایی دایاسپورایی هند، در خلال آزادسازی اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ رخ داده است و نمی توان شکوفایی دایاسپورایی هند را بدون این آزادسازی تصور نمود.



# کشور چین

از منظر مطالعات دایاسپورا، یکی از کشورهایی که مطالعه آن ضرورت بسیاری دارد، چین است. علت این مساله در وهله اول به جمعیت گسترده دایاسپورای چینی باز می‌گردد. چین پس از هند دومین کشور از نظر جمعیت دایاسپورایی است. در حال حاضر، مطابق با گزارش IOM، چین با ۱۰/۷ میلیون نفر شهروند چینی خارج از کشور در رتبه بعدی پس از هند قرار دارد. با این حال، اگر بخواهیم چینی‌الصل‌ها را نیز در این آمار در نظر بگیریم، جمعیت این دایاسپورا به حدود ۶۰ میلیون نفر می‌رسد. این کشور از دیرباز، کشوری دایاسپورایی بوده و به علت جمعیت بالا و سابقه مهاجرت از این کشور، هم اکنون تعداد قابل توجهی از چینی‌ها ساکن سایر کشورها هستند. بدین ترتیب آنچه که چین را به عنوان گزینه‌ای جذاب برای مطالعه تبدیل می‌کند، همین مساله است که چین با جمعیت بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیونی، اکنون پس از هند پرجمعیت‌ترین کشور جهان بوده و بنا به همین ویژگی خاص، همواره جمعیتی گسترده از دایاسپورای چینی را در خارج از کشور داشته است. همین ظرفیت عظیم باعث شد که همگام با اصلاحات گسترده اقتصادی چین در دهه ۱۹۹۰ و گشایش اقتصادی، سرمایه عظیمی از سمت دایاسپورای چینی به سمت این کشور روانه شده و در خدمت سیاست‌های متمرکز و توسعه‌گرایانه دولت چین درآید. در چین جذابیت اقتصاد در حال رشد و ثبات سیاسی، بسیاری از اعضای دایاسپورای این کشور را جهت سرمایه‌گذاری و در مواردی بازگشت به وطن ترغیب کرده است. در طول دهه ۱۹۹۰ دایاسپورای چینی بیش از نیمی از جریان ورودی سرمایه‌گذاری چین را تامین می‌نمود (با احتساب تایوان، ماکائو و هنگ کنگ). همچنین طبق تخمین دیگری، حدود ۷۰ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در ابتدای قرن، از سوی دایاسپورای چینی روانه این کشور شده است.



نقشه پراکندگی دایاسپورای چینی در جهان

علاوه بر سرمایه عظیم دایاسپورای چینی، جمعیت این کشور از پرداخت‌های انتقالی روانه شده توسط دایاسپورای خود نیز بهره می‌برند و از این نظر چین بعد از هند و مکزیک در رتبه سوم قرار می‌گیرد. دایاسپورای چینی ظرفیت بی‌همانندی از منظر قدرت و ثروت اقتصادی دارد و با توجه به تحولات اقتصادی چین از ابتدای دهه ۱۹۹۰، نقش پررنگی در اقتصاد چین ایفا می‌نماید. برآوردی در انتهای دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که چینی‌های مهاجر حجم دارایی منقولی بالغ بر ۲ تریلیون دلار داشته باشند. جامعه تجاری چین نقشی اساسی و غالب در بخش‌های خصوصی کشورهای جنوب شرق آسیا داشته و این شبکه تجاری تحت عنوان "شبکه بامبو" شناخته می‌شود.

علاوه بر موارد فوق، دولت چین متناسب با ساختار دولت و مدل توسعه‌ای، الگوی خاصی را در بهره‌گیری از ظرفیت دایاسپورا داشته است که می‌توان آن را الگوی متمرکز، مداخله‌گر و برنامه‌ریزی شده دانست و از این منظر در مقابل الگوی هندی (تسهیلگر) قرار می‌گیرد. در ادامه، ابتدا نمایی کلی از دایاسپورای چینی ارائه می‌گردد و سپس سیاست‌ها، ابتکارات و نهادهای دایاسپورایی دولت چین بررسی و برشمرده خواهند شد.

### نمای کلی دایاسپورای چین

در حال حاضر بیش از ۷/۱۰ میلیون نفر از شهروندان چین در خارج از کشورشان زندگی می‌کنند. این رقم معادل با ۷/۰ درصد از کل جمعیت چین است. گرچه از نظر نسبی، جمعیت مهاجران چینی بالا نیست، اما از نظر مطلق، این رقم جمعیت بزرگی محسوب می‌گردد. البته همانطور که گفته شد، با احتساب جمعیت چینی‌الاصل‌ها، اندازه دایاسپورای چین به حدود ۶۰ میلیون نفر می‌رسد. کشورهای مقصد اصلی چینی‌های مهاجر عبارتند از ایالات متحده، هنگ‌کنگ، ژاپن، کانادا و استرالیا

۲,۸۹۹,۲۷۶	ایالات متحده آمریکا
۲,۲۷۲,۲۹۳	هنگ‌کنگ
۷۸۴,۷۶۳	ژاپن
۶۹۱,۴۸۹	کانادا
۶۲۴,۶۴۱	استرالیا

جدول ۱. جمعیت شهروندان چینی خارج از کشور

با این حال با در نظر گرفتن جمعیت چینی‌الاصل‌ها این ارقام و کشورها بسیار متفاوت می‌گردد و دایاسپورای چینی به ترتیب در این کشورها بیشترین جمعیت را دارند:

۱۰/۸۸	اندونزی
۷/۰۱	تایلند
۶/۷۳	مالزی
۵/۷۳	ایالات متحده آمریکا
۲/۹۶	سنگاپور
۱/۹۲	کانادا
۱/۴۱	استرالیا
۰/۷۵	فرانسه
۰/۴۷	آفریقای جنوبی
۰/۳۳	ایتالیا

جدول ۲. جمعیت دایاسپورای چینی در برخی از کشورها

بر این اساس، کشورهای جنوب شرق آسیا، میزبان بزرگ‌ترین جمعیت دایاسپورای چینی هستند که در راس آن اندونزی قرار دارد. بیشتر جمعیت دایاسپورایی ساکن این کشورها، چینی‌الاصل‌ها و نسل‌ها متاخر مهاجران چینی هستند که در گذشته به کشورهای این منطقه مهاجرت نموده‌اند. در مقابل، عمده جمعیت دایاسپورای چینی در کشورهای هم‌چون ایالات متحده، کانادا و استرالیا، در طول دو دهه گذشته به این کشورها مهاجرت کرده‌اند و عموماً شهروندان چینی را در بر می‌گیرد. همچنین بر اساس پراکندگی در قاره‌ها، عمده دایاسپورای چینی (حدود ۷۰ درصد) در آسیا حضور دارند و قاره آمریکا (۱۹ درصد)، اروپا (۵ درصد) و اقیانوسیه و آفریقا در رتبه‌های بعد قرار دارند. همچنین مطابق با گزارش بانک جهانی (۲۰۲۳)، چین با ۵۱ میلیارد دلار پس از هند و مکزیک بزرگ‌ترین دریافت‌کننده وجوه ارسالی (Remittance) است. همچنین باید توجه داشت که دولت چین، شهروندی مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد و شهروندان چینی مقیم خارج از کشور، حق شرکت در انتخابات ملی را ندارند.

## تحول در سیاست دایاسپورایی چین: ابتکارات و نهادها

تحول و شکل‌گیری سیاست‌های دایاسپورایی چین همچون بسیاری از کشورها امری متاخر است و همانطور که ذکر شد، عمده تحول در نقش‌آفرینی دایاسپورای چین نیز از دهه ۱۹۹۰ آغاز گردید. در این راستا مرور تحول در چهارچوب قانونی چین می‌تواند نشان‌دهنده تحول رویکرد در قبال دایاسپورای چینی باشد. بند ۵۰ از قانون اساسی ۱۹۸۲ چین بیان می‌دارد که «جمهوری خلق چین موظف به محافظت از حقوق و منافع چینی‌های خارج از کشور و چینی‌های بازگشته و خانواده‌شان است». قانونی که نخستین بار در سال ۱۹۹۰ تحت عنوان «محافظت از حقوق و منافع چینی‌های بازگشته از خارج کشور و اعضای خانواده چینی‌های خارج از کشور» تصویب شد نیز بر برابری و عدم تبعیض و توجه و مراقبت ویژه از این از دسته افراد تاکید دارد. آیین‌نامه‌ای با موضوع «چینی‌های بازگشته خارج از کشور و چینی‌هایی که برای ملاقات با خانواده از کشور خارج می‌شوند» در سال ۱۹۹۲ تاکید می‌نماید که همه دانشجویان بازگشته باید فارغ مواضع سیاسی پیشین خود با آغوش باز پذیرفته شوند. این آیین‌نامه از کارفرمایانی که کارمندانشان را به خارج از کشور فرستاده‌اند می‌خواهد که با آن‌ها ارتباط منظم داشته و از آن‌ها مراقبت نمایند. در سال ۲۰۰۶ قانونی در ارتباط با فرزندان چینی‌های خارج از کشور بیان می‌دارد که «فرزندان دایاسپورای چینی حقی برابر برای تحصیل در آموزش عمومی دارند». در سال ۲۰۱۱، قانون جدید وزارت منابع انسانی و تامین اجتماعی اشاره نمود که در مواردی که فردی چینی پیش از آنکه شرایط بهره‌مندی از مزایای بازنشستگی را بدست آورد از کشور خارج شود، حق او برای دریافت این مزایا و حقوق محفوظ است و با رسیدن به سن بازنشستگی قانوناً باید از این حقوق و مزایا بهره‌مند گردد. تحول دیگر در سال ۲۰۱۸ و با ابتکار «ویزای پنج ساله» رخ داد. مطابق با این طرح، چینی‌های اصل‌ها می‌توانند برای این ویزا اقدام کنند و از طریق آن می‌توانند ۵ سال در چین اقامت داشته و یا به دفعات ورود و خروج نمایند.

هدف این سیاست، جلب نظر و جذب هرچه بیشتر چینی‌های اصل‌های خارج از کشور به منظور توسعه تجارت و کسب و کارها بود. در سال ۲۰۲۰ طرح «اقامت دایم برای خارجی‌ها» تصویب گردید. این سیاست جدید، به خارجی‌های واجد شرایط امکان اخذ اقامت دایم را می‌دهد که مشابه با شهروندی است. شرایط اخذ اقامت دایم عبارت است از: اطاعت از قانون چین، کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی چین و سوابق خوب مالیاتی. این طرح، امتیازی ویژه برای چینی‌های خارج از کشور است که تابعیت کشوری دیگر را داشته، اما برای مدت زمان مشخصی در چین ساکن بوده‌اند و از طریق سرمایه‌گذاری یا نوآوری علمی به چین خدمت کرده‌اند.

همانطور که قابل ملاحظه است از دهه ۱۹۹۰ چین تلاش نموده است تا هرچه بیشتر شرایط را برای مشارکت و بهره‌گیری از ظرفیت دایاسپورای خود بهره‌برد. دولت چین توانسته است با اقدامات خود، دایاسپورای چینی را ترغیب نموده تا بدون نیاز به تقاضای ویزای کار، در برابر دولت شرایطی مشابه با شهروندان چینی در حوزه‌هایی همچون مالکیت، سرمایه‌گذاری و آموزش داشته باشند. توسعه اقتصادی روافزون چین موجب شده است تا دایاسپورای چینی متمایل به همکاری با کشور خود گردند. دولت چین که از این تمایل آگاه است، تلاش می‌کند تا با توسعه طرح‌های مختلفی، همکاری دایاسپورای چینی را جلب نماید. سیاست‌های چین متمرکز بر اصلاحات نظام مهاجرتی و تبادلات علمی و آموزشی و شکل‌دهی به هویت دایاسپورای چینی بوده است. دولت چین بطور کلی به دنبال جلب سرمایه، فناوری و استعداد‌های چینی خارج از کشور برای توسعه ملی و همزمان بر ساختن «تصویر فراملی ملت» چین از طریق برنامه‌های تبادل فرهنگی است.

### اقدامات عملی دولت چین در قبال دایاسپورا

همانطور که ذکر شد چین یکی از بارزترین نمونه‌های تلاش‌های سیاستی متمرکز با برنامه ریزی دولتی برای استفاده از ظرفیت دایاسپورای خود است و از این نظر از سایر کشورهای مورد مطالعه ما متمایز می‌گردد. شاید دلیل این تفاوت را بتوان ظرفیت بالای دولت و میراث نهادی دولت چینی دانست، چرا که به زعم بسیاری اولین دولت‌ها در چین بنا نهاده شده‌اند. همچنین الگوی توسعه چین، الگویی متمرکز و از بالا به پایین بوده و همین نکته می‌تواند توضیح دهد که چرا سیاست‌های دایاسپورایی چین نیز همگام با الگوی توسعه‌ای آن، متمرکز بوده است.

در مورد سیاست بازگرداندن به وطن، دولت چین طیف متنوعی از فعالیت‌ها را انجام داده و مشوق‌های مختلفی را بکار گرفته است تا بتواند شهروندانی را که خارج از کشور به سر می‌برند به داخل کشور بازگرداند. این تلاش‌ها بطور کلی عبارتند از:

- تلاش برای برقراری ارتباط با چینی‌های خارج از کشور و تشویق آن‌ها به بازگشت به کشور با استفاده از ظرفیت سفارت‌ها و کنسول‌گری‌های خود و ترتیب دادن برنامه‌های استخدام و کاراییی توسط این نهادها؛
- برگزاری همایش‌هایی همچون «همایش کارآفرینان چینی جهان» و «کنفرانس دوستی چینی‌های خارج از کشور» در راستای شبکه‌سازی با گروه‌های هدف دایاسپورایی؛
- تاسیس پارک‌های صنعتی ویژه دانشجویان بازگشته از خارج کشور. این پارک‌ها امکانات و تسهیلات ویژه‌ای را به چینی‌های ماهر بازگشته اختصاص می‌دهند؛
- طرح‌های جذب استعداد همچون «طرح صد استعداد» و «طرح هزار استعداد» که فاند‌های کلان و امکانات ویژه‌ای را به استعداد‌های جذب شده در حوزه‌هایی همچون علم و فناوری اختصاص می‌دهند؛

- تاسیس "دفتر امور اشتغال و تحصیل چینی های خارج از کشور و بازگشت کنندگان به کشور"؛
  - ارایه مشوق های مالی همچون حمایت مالی از دانشجوهای خارج از کشور و محققانی که به کشور باز می گردند و همچنین تامین مالی رو به رشد برای دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی جهت افزایش کیفیت آن ها برای جلب نظر محققان و دانشجویان چینی خارج از کشور؛
  - تسهیل فرایند بازگشت از طریق تاسیس "مراکز خدمات تحصیلی بیرون مرزی" جهت کمک به کارایی افرادی که به کشور بازگشته و همچنین کمک به دایاسپورای چینی برای سرمایه گذاری در چین و انتقال فناوری به این کشور؛
  - ارتقای جریان اطلاعات در جهت انتشار اطلاعات بهتر در ارتباط با وضعیت چین و کمک به برقراری پل ارتباطی بین محققان درون و بیرون از کشور؛
  - تسهیل سفرهای کوتاه مدت برای متخصصان چینی جهت حضور در پروژه های مشارکتی، تدریس و شرکت در همایش ها و سخنرانی ها؛
  - ارایه تسهیلات توسط دولت های محلی به افرادی که به کشور بازمی گردند، از جمله: معافیت های مالیاتی، یارانه مسکن، واردات معاف از مالیات اتوموبیل و کامپیوتر، تضمین تحصیل مطلوب کودکان افرادی که بازمی گردند، شغل یابی برای همسران این افراد و اجازه های اقامت طولانی مدت؛
  - تاسیس موسسات تحقیقاتی و دانشگاه هایی با سرمایه گذاری مستقیم دولت که به طور فعالانه افراد بازگشته را استخدام نموده و ارائه جایگاه های شغلی کلیدی در حوزه های تحقیقاتی به محققان خارج از کشور؛
- همچنین حزب کمونیست و دولت چین از دهه ۱۹۹۰ در ارتباط با انتقال فناوری، اعضای دایاسپورای چینی را به "خدمت به وطن" تشویق کرده و تلاش داشته است تبادلات فناورانه را بین متخصصان چینی خارج از کشور و مجموعه های داخلی ترویج دهد. یکی از کانال های انتقال دانش و فناوری، انجمن های تخصصی چینی خارج از کشورند. بسیاری از انجمن های متخصصان چینی بصورت مستقل از حزب عمل می کنند و فرصت هایی را با شبکه سازی و حمایت از چینی های خارج از کشور، فراهم می کنند. این انجمن های تخصصی همچون نقاط اتصال و دسترسی به اطلاعات فناورانه و افراد متخصص برای آزمایشگاه های چینی و مجموعه های دولتی نیز عمل می کنند. بر اساس گزارشی، ۲۰۰۸ انجمن تخصصی متخصصان چینی در خارج از این کشور وجود دارد. حدود ۱۴۵ هزار نفر عضو این انجمن ها هستند که اعلام کرده اند به انتقال فناوری به چین کمک می کنند. ۱۲۶ انجمن بطور رسمی در وبسایت های خود نشان داده اند که تبادلات فناورانه با چین داشته، دانشمندان چینی را به این کشور می آورند یا به برنامه ها خاص جذب استعداد ها کمک می کنند. کمتر از یک سوم این انجمن ها در ایالات متحده واقع شده است و دوسوم بقیه غالباً در آلمان، کانادا، فرانسه و بریتانیا قرار دارند.

بخشی از این انجمن‌ها بطور رسمی مأموریت انتقال فناوری خود را اعلام می‌کنند و بنظر می‌رسد این دسته از انجمن‌مورد حمایت حزب کمونیست چین و اداره امور چینی‌ها خارج از کشور باشند. همانطور که ملاحظه می‌گردد، سیاست‌های دایاسپورایی دولت چین به شکلی ویژه بر بازگرداندن نخبگان و استعداد‌های چینی خارج از کشور متمرکز است. این سیاست‌ها غالباً بر جذاب نمودن محیط داخلی و ارائه تسهیلات و مشوق‌ها به این افراد تأکید دارند. با این حال سیاست چین از شبکه‌های دایاسپورایی چینی نیز غافل نشده و تلاش ویژه‌ای دارد تا پل‌های ارتباطی تحقیقاتی با چینی‌های خارج از کشور برقرار نموده و فضای تحقیقاتی و آکادمیک داخل کشور را به شبکه دایاسپورایی متصل کند. در همین راستا، از سال ۲۰۱۲، دولت شی جی‌پینگ، از طرح «روای چینی» پرده برداشت که به بنایی برای تلاش‌های سیاستی دولت چین برای جلب مشارکت دایاسپورا بدل شد. از سال ۲۰۱۴، نرخ بازگشت دانشجویان چینی خارج از کشور، همواره بالای ۷۸٪ باقی مانده است که حاصل بکارگیری مجموعه‌ای از مکانیزم‌ها برای مشارکت دایاسپورا در سطوح ملی و محلی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها برشمرده شد.

### ساختار نهادهای دایاسپورایی چین

دولت چین چه در سطح ملی و چه در سطح محلی نهادهای مختلفی را در راستای جلب مشارکت دایاسپورا و با تمرکز بر بازگرداندن استعداد‌های چینی خارج از کشور، کارآفرینان و صاحبان سرمایه ایجاد نموده است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

#### • در سطح دولت مرکزی:

اداره امور چینی‌های خارج از کشور: اداره‌ای رسمی زیر نظر مستقیم هیات دولت است که وظایف اصلی آن عبارتند از: همکاری در تنظیم سیاست‌ها در قبال چینی‌های خارج از کشور و در همکاری با حزب کمونیست چین و همچنین نظارت بر اجرای سیاست‌ها. بعلاوه، هدف دیگر این اداره، ارتقاء محافظت از حقوق و منافع چینی‌های خارج از کشور و چینی‌های بازگشته و خانواده‌های آنان است. غیر از وظایفی همچون پژوهش و ارائه توصیه‌های سیاستی برای جذب سرمایه، فناوری و استعداد چینی‌های خارج از کشور؛ این مجموعه وظیفه دارد تا به توسعه برنامه‌های تبادلات فرهنگی و آموزش زبان چینی مبادرت ورزد. دفاتر محلی این اداره نیز در سطح استانی، مناطق خودمختار و شهرداری‌ها فعالند. در برخی موارد، همچون در گوانگدونگ و فوجیان، دفاتر محلی مستقلی وجود دارند که در همکاری با بدنه دولت در حال فعالیتند. همچنین نهادهای دیگری نیز در جهت ارتقاء شبکه‌سازی با چینی‌های خارج از کشور با این اداره همکاری دارند، از جمله: «اتحادیه سازمان‌های چینی‌های خارج از کشور»، «انجمن چینی‌الاصل‌های جهان» و «انجمن رسانه‌ای و جهانی زبان چینی».



انجمن تبادلات چینی‌های خارج از کشور: این انجمن که در سال ۱۹۹۰ پایه‌گذاری شد، وابسته به اداره امور چینی‌های خارج از کشور است و در واقع پلتفرمی برای تبادلات بین فرد به فرد چه در میان مردم و چه بین سازمان‌ها در داخل و خارج از چین است. این انجمن، به ارتقاء تبادلات و همکاری در حوزه‌های تجارت، علم، فناوری، تکنولوژی، فرهنگ، آموزش و همچنین گردشگری و رسانه می‌پردازد.

دپارتمان کاری کمیته مرکزی حزب کمونیست چین: این دپارتمان به طراحی و اجرای سیاست‌های دیپلماسی چین کمک می‌کند. «انجمن پژوهشگران بازگشته از کشورهای غربی» وابسته به همین دپارتمان است. تعدادی از نهادهای محلی مرتبط با این دپارتمان همچون در شتزن، در موضوعات سیاست‌های مذهبی، سیاست اقلیت‌ها و امور چینی‌های خارج از کشور به این دپارتمان کمک می‌کنند. به علاوه، در ارتباط با هر یک از حوزه‌های سیاستی چینی‌های خارج از کشور، از جمله توسعه اقتصادی، علم و فناوری، پروپاگاندا، سیاست‌ها در قبال تایوان و دیپلماسی عمومی نیز بازیگران دیگری با این دپارتمان مشارکت می‌کنند.

#### • سطوح غیر دولتی:

کمیته امور چینی‌های خارج از کشور کنگره ملی مردمی: این کمیته به عنوان یکی از ۶ کمیته دائمی در قانون اساسی ۱۹۸۲ با حق رایه پیشنهادات قانونی و بررسی و ارزیابی قوانین مصوب، تاسیس گردید. این کمیته به ارزیابی و اعتبارسنجی طرح‌های قانونی کمیته‌های کنگره مردمی پرداخته و تلاش می‌کند که طرح‌های قانونی اصلاح‌شده‌ای را رایه دهد. همچنین کمیته چینی‌های خارج از کشور، در سطوح پایین‌تر دولت محلی نیز فعال است. شهرها و مناطق مهم مهاجرفرست، کمیته‌های خاص خود را دارند.

انجمن پژوهشگران بازگشته از کشورهای غربی / انجمن پژوهشگران تحصیل کرده خارج از کشور: این انجمن که در سال ۱۹۱۳ تاسیس شد، انجمنی ملی متشکل از فارغ‌التحصیلان بازگشته از خارج کشور است. از سال ۲۰۰۳، در راستای دستورات حزب، این انجمن تلاش‌های خود را در زمینه ایدئولوژیک، سازمانی و عضوگیری تقویت کرد. با افزایش منابع انسانی و معنوی، این انجمن مراکز خارجی خود را گسترش داد و بواسطه آن توانسته ایده‌ها و طرح‌های مختلفی به حزب و دولت مستقر رایه دهد. این انجمن همچنین خدمات ویژه‌ای را به استعدادهای برتر چینی خارج از کشور رایه و نفوذ خود را به شدت گسترش داده است. همچنین این نهاد در ارتباط نزدیک با بیش از ۱۰۰ انجمن مرتبط با چینی‌های خارج از کشور و دانشجویان چینی است.

## • در سطح محلی:

فدراسیون چینی‌های بازگشته از خارج از کشور: این نهاد که بخشی از کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است در سال ۱۹۵۶ تاسیس شد و سازمانی برای امور چینی‌های خارج از کشور و اعضای خانواده آنها است. این نهاد ملی، به عنوان مرکز ثقلی عمل می‌کند که حزب، دولت و چینی‌های خارج از کشور و خانواده‌هایشان را گرد هم می‌آورد. عملکرد اصلی این نهاد «کار کردن با مردم، مشارکت در سیاست، محافظت از حقوق و منافع چینی‌ها و ترویج دوستی است». اعضای اصلی این نهاد نیز از چینی‌های بازگشته و یا وابستگان آنها است که بیشتر آنان نیز در جنوب شرق آسیا و ایالات متحده ساکنند. وظیفه اصلی این نهاد برقراری ارتباط با چینی‌های بازگشته، وابستگان و چینی‌های خارج از کشور، کمک به طراحی سیاست و پیشبرد اجرای سیاست‌ها است. این نهاد تأکید ویژه‌ای بر اهمیت چینی‌های خارج از کشور در توسعه اقتصادی و پیشرفت‌های تکنولوژیک دارد. کمیته جوانان این نهاد نیز که در سال ۲۰۰۱ تاسیس شد، به ترویج تبادلات اقتصادی، علمی و فرهنگی با تمرکز ویژه بر جوانان می‌پردازد. سازمان وابسته دیگر به این نهاد، «کارآفرینان چینی خارج از کشور» است که در سال ۲۰۰۳ تاسیس شد و هدف آن ارتباط با کارآفرینان و تقویت سازمان‌های کارآفرینی چینی‌های خارج از کشور است.

علاوه بر این نهادها، دایاسپورای چینی نهادهای مختلفی را در سایر کشورها تاسیس کرده است. نهادهایی همچون: شبکه چینی‌های بریتانیایی، انجمن چینی‌های جوان در فرانسه و انجمن کسب و کارهای چینی بریتانیا.

## موانع و چالش‌های چین در حوزه دایاسپورا

در ارتباط با موانع موفقیت طرح‌های دولت و حزب کمونیست چین در ارتباط با دایاسپورا، بنظر می‌رسد که مهم‌ترین مانع، سوگیری‌های ایدئولوژیک باشد. از سویی چهره‌های برجسته دایاسپورای چین در کشورهای غربی مشغول به کار بوده‌اند و از سوی دیگر دولت و حزب از این افراد می‌خواهد که در خدمت منافع جمهوری خلق چین و حزب کمونیست چین عمل نمایند. از این منظر و با توجه به اختلافات موجود میان چین و کشورهای غربی (در راس آن ایالات متحده) این مساله به مانعی برای جذب دایاسپورای نخبه تبدیل شده است.

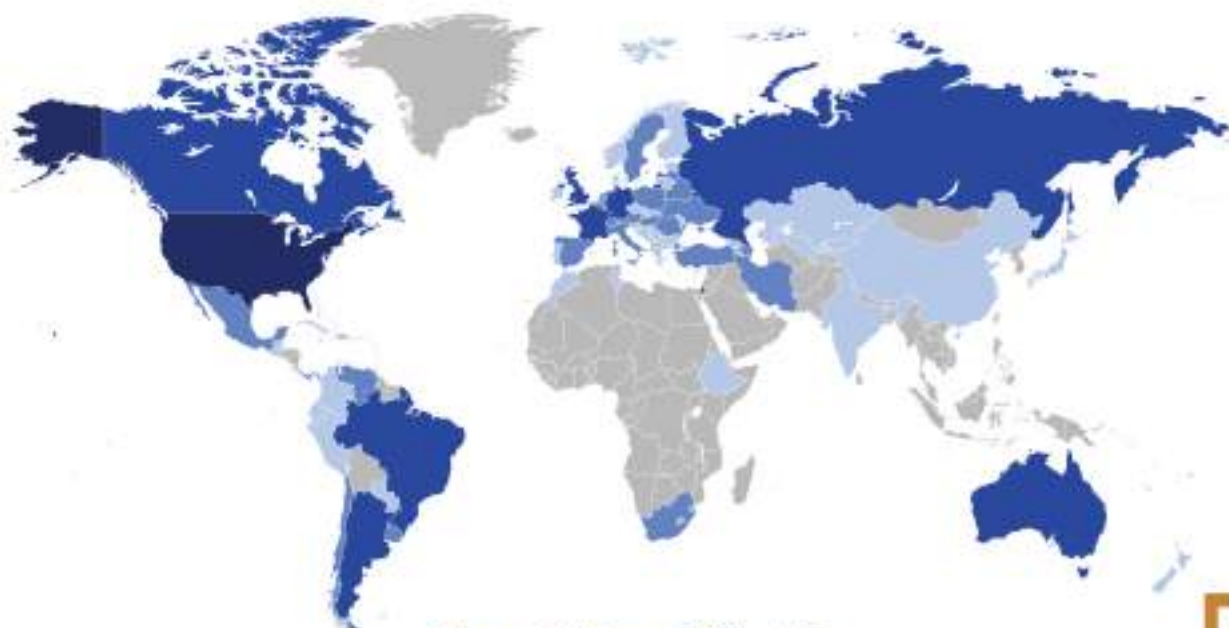
موضوع دیگری که تمایل دایاسپورای نخبه چینی - بخصوص بخش آکادمیک آن - برای بازگشت به چین کاهش داده است، فضای بسته سیاسی حاکم بر این کشور است. حساسیت‌های سیاسی، فقدان آزادی بیان و مباحث ممنوعه سیاسی در چین، موجب شده است که برخی از دایاسپورای نخبه و علمی چین، بخصوص در حوزه‌های علوم انسانی ریسک بازگشت به کشور را به جان نخرند. همچنین این مساله ناشی از تفاوت فضای باز کشورهای توسعه‌یافته و فضای بسته چین نیز قلمداد می‌گردد و دایاسپورای نخبه، فارغ از محدودیت‌های حرفه‌ای بعضاً تمایل دارد که در فضای آزاد به زندگی خود ادامه دهد.

# دژیم صهیونیستی

دایاسپورای رژیم صهیونیستی اگرچه ویژگی های جهانی جوامع دایاسپوریک را نشان می دهد، اما یک مورد خاص را در این زمینه ارائه می دهد. دلیل ادعایی برای تأسیس این رژیم در سال ۱۹۴۸، جمع آوری مجدد بیشتر یهودیان در سرزمین تاریخی ادعایی خود بود. در همین راستا، از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی، بیش از سه میلیون یهودی، اعم از پناهنده و مهاجر را جذب کرده است. با این حال، در همان دوره زمانی، بخش کوچکی از جمعیت آن به آمریکای شمالی، اروپای غربی و استرالیا مهاجرت کردند و یک دایاسپورای قابل توجه را تشکیل دادند. رابطه رژیم صهیونیستی با دایاسپورا بسیار پیچیده است. یهودیان آمریکایی تقریباً سه چهارم یهودیان دایاسپورا را تشکیل می دهند که گاهی اوقات یهودیان در تبعید یا یهودیان «گلوت» نیز نامیده می شوند و روابط آن ها با رژیم صهیونیستی اهمیت و نقش تعیین کننده ای در سیاست های این رژیم در حوزه دایاسپورا داشته است.

### میزان و پراکندگی دایاسپورا

تجربه زندگی در دایاسپورا، از اسارت و تبعید بابلی تا اشغال و تبعید رومیان، و روابط تاریخی بین یهودیان و سرزمینشان پس از آن، به ویژگی اصلی تاریخ و هویت یهودیان تبدیل شد. در هزاره های بعدی، جوامع یهودی دایاسپورا بر اساس محل سکونت اجدادشان به سه زیربخش قومی اصلی ادغام شدند: اشکانازیم (اروپای مرکزی و شرقی)، سفاردیم (در ابتدا در شبه جزیره ایبری)، و میزرحیم (خاور میانه و شمال آفریقا). قبل از جنگ جهانی دوم، جمعیت یهودیان در سراسر جهان به اوج ۱۶/۷ میلیون نفر رسید که حدود ۰/۷ درصد از جمعیت جهان در آن زمان را تشکیل می داد. ادعا شده است که در جریان هولوکاست تقریباً چند میلیون یهودی به طور سیستماتیک به قتل رسیدند. از آن زمان به بعد، جمعیت یهودیان به آرامی دوباره افزایش یافته است، و در انتهای دهه دوم قرن جدید بیش از ۱۴ میلیون نفر تخمین زده شده است.



نقشه پراکندگی یهودیان در جهان

## سیاست‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی درباره دایاسپورا

رژیم صهیونیستی خود را یک "دولت یهودی" معرفی می‌کند. این امر در نمادهای دولتی مانند منورا و "ستاره داوود"، در سرود ملی (هتیکوا)، در مراسم دولتی، و در قوانین متعددی که هویت یهودی دولت را رسمیت می‌بخشد، به ویژه قانون بازگشت منعکس شده است. هویت یهودی رژیم صهیونیستی به این معنی است که این رژیم خود را دولت همه یهودیان در سراسر جهان و از این رو نماینده و مدافع آنها می‌داند.

به قول دیوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، «اسرائیل دولتی از مردم جهان و برای مردم جهان است». بنابراین، هویت رژیم صهیونیستی به عنوان کشور یهودی، وظیفه حفاظت و دفاع از یهودیان در همه جا و پیشبرد منافع یهودیان در نظام بین‌الملل را بر عهده گرفته است. از این رو، سیاست خارجی رژیم صهیونیستی صرفاً به تأمین منافع شهروندان خود نمی‌پردازد، بلکه شهروندان یهودی سایر کشورها را نیز تأمین می‌کند. در سال ۱۹۵۰، قانون بازگشت، مهاجرت به کشور یهودی و کسب شهروندی رژیم صهیونیستی را برای هر یهودی خارج از قلمرو این رژیم یک حق دانست. از زمان تأسیس، دولت یهود پیوسته تلاش قابل توجهی را برای تشویق مهاجرت انجام داده و به سرعت به موفقیت دست یافته است:

بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۱، جمعیت یهودیان رژیم صهیونیستی دو برابر شد، سپس دوباره بین سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۷۰ دو برابر شد، و در نهایت از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۸ هشت برابر شد. در سال ۲۰۱۸، کنست «پیشنهاد قانون بنیادین: اسرائیل به عنوان دولت-ملت قوم یهود» را به تصویب رساند. این قانون شخصیت یهودی دولت را تقویت می‌کند، زیرا فقط به یهودیان حق تعیین سرنوشت در رژیم صهیونیستی اعطاء می‌کند و برای اولین بار این رژیم را به عنوان "خانه ملی قوم یهود" ثبت می‌کند. این قانون نه تنها به نمادهای ملی اشاره دارد که قبلاً ذکر شد، بلکه روزهای تعطیلات دولتی را نیز کدگذاری می‌کند. علاوه بر این، متن بر پیوندهای بین رژیم صهیونیستی و یهودیان دایاسپورا در جهان تأکید و اذعان دارد دولت باید «امنیت اعضای قوم یهود را در خطر یا اسارت به دلیل یهودی بودن یا تابعیتشان تضمین کند. همچنین باید مراقب "تقویت وابستگی" بین دولت و دایاسپورا و حفظ میراث فرهنگی، تاریخی و مذهبی قوم یهود در میان این دایاسپورا باشد». اهمیت این قانون در این است که در زمانی تصویب می‌شود که برای اولین بار، تعداد یهودیان در رژیم صهیونیستی از کل دایاسپورا بیشتر است.

به گفته عمر یانکلوویچ، وزیر امور دایاسپورا در رژیم صهیونیستی که گزارش سالانه ای را به کمیته مهاجرت، جذب و امور دایاسپورا کنست ارائه کرد، در جولای ۲۰۲۰، جمعیت یهودیان جهان ۱۴۴۱۰۷۰۰ نفر برآورد شد. ۶,۷۴۰,۰۰۰ یهودی در رژیم صهیونیستی زندگی می کنند که آن را به بزرگترین جامعه یهودیان تبدیل می کند. در رتبه دوم آمریکای شمالی قرار دارد که ۶۰۸۸۰۰۰ عضو دارد. علاوه بر این، ۱/۰۷۲ میلیون یهودی در اروپا، ۳۲۴۰۰۰ در آمریکای جنوبی، ۳۰۰۰۰۰ در آسیا، ۱۲۰۰۰۰ در اقیانوسیه و ۷۴۰۰۰ در آفریقا زندگی می کنند.

رژیم صهیونیستی در راستای سیاست ذکر شده مبنی بر جذب یهودیان از سراسر جهان، نهادها و سازمان های مختلفی را ایجاد کرده است که قدمت بعضی از آن ها حتی از تاسیس خود این رژیم هم بیشتر است:

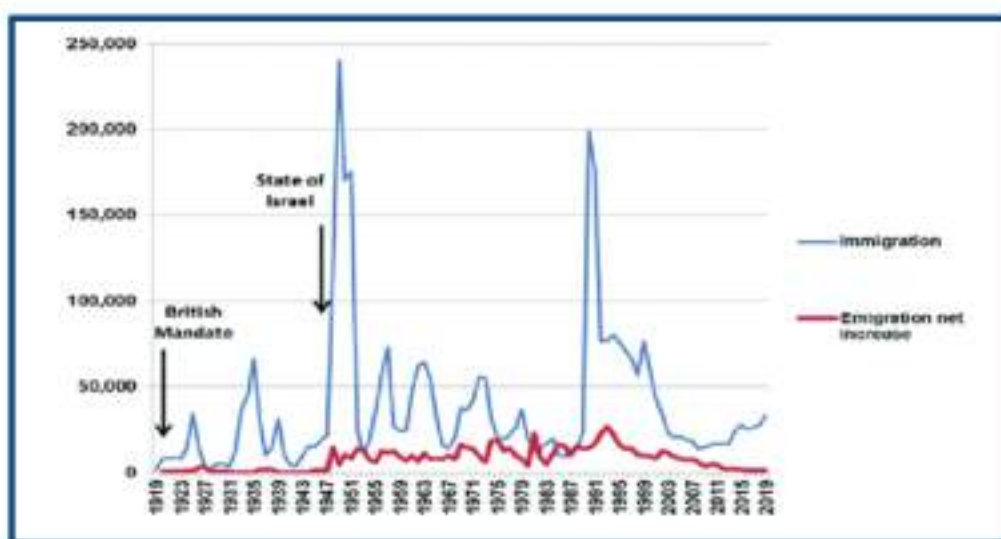
### • سازمان جهانی صهیونیسم:

سازمان جهانی صهیونیسم یک جنبش بین المللی است که در اواخر قرن نوزدهم توسط تئودور هرتزل با هدف ترویج ایجاد یک دولت-ملت مستقل یهودی تأسیس شد. ارگان عالی و قوه مقننه آن کنگره (جهانی) صهیونیست بود. اولین کنگره در سال ۱۸۹۷ در بازل سوئیس برگزار شد و نمایندگان یهودی از سراسر جهان را به خود جذب کرد و بعدها به طور منظم هر یک تا دو سال یک بار در یکی از شهرهای اروپایی تشکیل شد. در دوره پیش از دولت، کنگره صهیونیستی ارگان مهمی بود و تصمیمات آن تا حد زیادی مسیر جنبش صهیونیستی را در تلاش برای تأسیس رژیم صهیونیستی دیکته می کرد. پس از تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، اهمیت آن کاهش یافت و امروزه کنگره هایی در اورشلیم هر چهار تا پنج سال یک بار تشکیل می شود که آخرین کنگره در اکتبر ۲۰۱۶ برگزار می شود.

### • آژانس یهود:

آژانس یهود در سال ۱۹۲۹ تأسیس شد تا مجری سازمان جهانی صهیونیسم در فلسطین بریتانیا باشد. این آژانس پس از شکل گیری رژیم صهیونیستی، به یک نهاد دولتی که مسئولیت مهاجرت یهودیان به این رژیم را بر عهده داشت، تبدیل شد. از سال ۲۰۰۹، آژانس دیگر وابسته به سازمان جهانی صهیونیستی نیست و به سازمانی تبدیل شده است که مسئولیت مهاجرت دایاسپورا به رژیم صهیونیستی و پذیرش و ادغام مهاجران جدید یهودی را بر عهده دارد. بین سال های ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۹، به طور متوسط سالانه حدود ۴۸۰۰۰ یهودی در رژیم صهیونیستی ساکن شدند.

به طوری که از حدود ۹/۶ میلیون نفر در رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۰، حدود ۳,۳۰۰,۰۰۰ نفر از زمان تأسیس این دولت در سال ۱۹۴۸، از تمام جوامع یهودی تأسیس شده در سراسر جهان آمده اند و حدود ۴۵٪ از کل جمعیت مستقر در رژیم صهیونیستی را تشکیل می دهند. آژانس به منظور انجام این مأموریت اساسی برای آینده رژیم صهیونیستی، در تمام کشورهای مهم با توجه به جمعیت یهودی خود نمایندگی هایی برای این منظور دارد: ایالات متحده، کانادا، روسیه، اوکراین، بریتانیا، فرانسه، آرژانتین، برزیل، هلند، آفریقای جنوبی، آلمان، سوئیس، بلژیک و غیره. امروزه آژانس یهود، علاوه بر وظایف و مأموریت های مربوط به ورود یهودیان به رژیم صهیونیستی، روی بسیاری از پروژه ها که همه مربوط به مهاجرت نیستند، کار می کند.



نمودار مهاجرت از/به رژیم صهیونیستی (۱۹۱۹-۲۰۱۹)

#### • Taglit - Birthright Israel

یک سازمان غیرانتفاعی رژیم صهیونیستی است که در سال ۱۹۹۹ ایجاد شد و با هدف تقویت روابط بین رژیم صهیونیستی و یهودیان دایاسپورا، سفرهایی به این رژیم را به جوانان یهودی ۱۸ تا ۲۶ ساله ارائه می دهد. از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴، ۳۵۰۰۰۰ جوان از ۶۴ کشور در این برنامه شرکت کردند و تقریباً ۸۰ درصد از شرکت کنندگان از ایالات متحده و کانادا بودند. در زبان عبری تاگلیت به معنای "کشف" است. برنامه Birthright Israel در سال ۱۹۹۴ به ابتکار دو تاجر (چارلز برونمن و مایکل استاینهارت) آغاز شد. این پروژه از حمایت مالی رژیم صهیونیستی، اهداکنندگان خصوصی و آژانس یهود برخوردار شده بود و سالانه چندین میلیون دلار به این سازمان اهدا می شود. هویت یهودی جوانان برای این رژیم مایه نگرانی است.

تعداد فزاینده ای از یهودیان به ویژه در دانشگاه ها وجود دارند که از رژیم صهیونیستی جدا شده اند و بسته به جهت گیری ایدئولوژیک خود ممکن است نسبت به آن بی تفاوت باشند. از آن احساس شرم کنند و یا با آن دشمنی کنند. به همین دلیل رژیم صهیونیستی تلاش کرده است تا با ایجاد این برنامه رویکرد و نگرش جوانان یهودی در سراسر جهان را به خود تغییر دهد. برنامه Birthright بسیار محبوب است. در واقع، به نظر می رسد که موفق ترین ابزار برای القای هویت یهودی در میان جوانان باشد. این تجربه برخی از شرکت کنندگان را به صهیونیست و برخی دیگر را به یهودیان مذهبی توبه کرده تبدیل کرده است.

### • وزارت امور دایاسپورا و ابتکارات آن

این وزارت خانه در مارس ۲۰۰۹ ایجاد شد. پیش از این، این اداره یکپارچه در وزارت اطلاعات، وزارت امور اجتماعی و دایاسپورا و وزارت جامعه دایاسپورا (که وظیفه مبارزه با یهودی ستیزی را بر عهده داشت) مستقر بود. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ ترکیب مجموعه اطلاعات و امور دایاسپورا در گذشته نقش این وزارتخانه را به عنوان یکی از بلندگوهای اصلی رژیم صهیونیستی در خارج از کشور برجسته کرد. در وزارت امور خارجه این وزارتخانه برای تقویت هویت یهودی و پیوندها با رژیم صهیونیستی و کمک به یک مهاجر یهودی که به میراث خود افتخار می کند و احساس می کند مستقیماً با رژیم صهیونیستی مرتبط است، کار می کند. هدف نهایی آن تقویت هویت یهودی و پیوند با رژیم صهیونیستی در میان یهودیانی است که هیچ احساس خویشاوندی یا ارتباطی با یهودیت و قوم یهود ندارند. برنامه های اصلی آن «ابتکار خلق یهودی اسرائیل»، معروف به موزایک متحد، و پروژه های تاگلیت و ماسا - همه از طرف رژیم صهیونیستی است. همچنین پروژه Momentum قابل توجه است که هزاران مادر را در یک برنامه فشرده برای تقویت هویت یهودی آنها به رژیم صهیونیستی می آورد. یکی دیگر از اهداف این وزارتخانه مبارزه با یهودی ستیزی است. برای این منظور، وزارت یک برنامه استراتژیک را تدوین کرده است که در درجه اول برای تضمین ایمنی جوامع و افراد در مواقع بحران یا موارد دیگر طراحی شده است. فعالیتها بر کاهش تعداد و شدت حوادث یهودستیزی در سراسر جهان، افزایش آگاهی عمومی در مورد یهودستیزی، تقویت تعهد افراد، سازمانها و دولتها برای مبارزه با یهودستیزی، و ارائه کمک به مردم آسیب دیده از یهودستیزی متمرکز است. به منظور تقویت روابط بین جامعه رژیم صهیونیستی و دایاسپورا، وزارت امور دایاسپورا «شاخص ارتباط با دایاسپورا» را اجرا کرده است که هدف آن آشنایی اقشار مختلف جامعه در رژیم صهیونیستی با یهودیان دایاسپورا است.



این شامل چندین ابتکار از جمله راه اندازی "هفته دایاسپورا" با رویدادهای برنامه ریزی شده در موزه ها، مدارس و سایر موسسات، اجرای پروژه ها در آموزش رسمی (برنامه های آموزشی توسعه یافته با همکاری وزارت آموزش و پرورش)، آموزش رهبران فکری، کمپین های عمومی در رسانه ها و در زمینه آموزش غیر رسمی می شود. هدف این فعالیت ها گسترش و تعمیق دانش عمومی در جامعه رژیم صهیونیستی در مورد زندگی یهودیان در دایاسپورا، تنوع و توزیع جغرافیایی جوامع یهودی در سراسر جهان و چالش هایی است که این جوامع با آن روبرو هستند و تقویت حس وابستگی بین دولت یهود و یهودیان دایاسپورا و تحریک مردم این رژیم برای مشارکت فعال در زمینه های مختلف مرتبط با یهودیت جهانی می باشد.

### چالش های رژیم صهیونیستی در حوزه دایاسپورا:

در ژوئن ۲۰۰۵، بیست یهودی آمریکایی بسیار با نفوذ جلسه ای خصوصی در نیویورک برگزار کردند تا در مورد آینده کل ملت یهود گفتگو کنند. آن رهبران نگران جامعه دایاسپورا دو سناریو احتمالی برای آینده یهودیان در سراسر جهان را مورد بحث قرار دادند. آنها سناریوی اول را «چشم انداز واقع بینانه» نامیدند که ماهیت آن نسبتاً خوش بینانه بود و اشاره می کرد که دایاسپورای یهودی رونق خواهد گرفت، روابط دایاسپورا با رژیم صهیونیستی تقویت خواهد شد و این رژیم همچنان مرکز ملت یهود خواهد بود. سناریوی دوم که «یک کابوس واقع بینانه» نامیده می شد، برعکس را پیش بینی می کرد، یعنی اینکه ملت یهودی دایاسپورا در نهایت با مشکلات بزرگی روبرو خواهد شد که حفظ هویت آینده آن را تهدید می کند. این چالش ها شامل افزایش سطوح همگون سازی (با جامعه هدف یا کشور میزبان)، کاهش هویت یهودی در دایاسپورا و در نتیجه کاهش روابط رژیم صهیونیستی و دایاسپورا می شود. بسیاری از ناظران استدلال می کنند که اکنون، تا حدودی، سناریوی دوم در نهایت در حال تحقق است. یک چیز مسلم است: روابط رژیم صهیونیستی و یهودیان جهان دگرگونی های بزرگی را تجربه می کند.

نخبگان رژیم صهیونیستی و تشکیلات سیاسی همواره رویکردی خواستارانه و اغلب یک جانبه در قبال یهودیان دایاسپورا اتخاذ کرده اند و از آنها انتظار دارند که به عنوان منبعی حیاتی در ایجاد حمایت و طرفداری از این رژیم، منبعی برای تامین مالی بی قید و شرط، و مجموعه ای از مهاجران آینده باشند. اما رهبران این رژیم با در نظر نگرفتن تنوع عقاید، ارزش ها و آرزوها در میان یهودیان دایاسپورا، حمایت از دایاسپورا را بدیهی تلقی کردند.

به این شکاف فزاینده بین یهودیان ارتدوکس در رژیم صهیونیستی، که نفوذ آنها برای دهه ها به طور پیوسته در حال افزایش است و جریان های یهودی سکولار و اصلاح طلب که در دایاسپورا غالب هستند، اضافه شده است. عدم توجه رژیم صهیونیستی به نظرات مردم دایاسپورا در توسعه سیاست های خود، به مرور زمان این شکاف را تشدید می کند. در سال های اخیر، رژیم صهیونیستی به متحد بسیاری از رژیم های پوپولیست دست راستی در سراسر جهان تبدیل شده است. بسیاری از یهودیان دایاسپورا از اتحاد رژیم صهیونیستی با این رژیم های بیگانه هراس و ضدلیبرال که یهودی ستیزی را با اسلام هراسی جایگزین کرده اند، شوکه شده اند. واضح تر از همه در ایالات متحده، و همچنین در اروپا، وضعیت بدتر شده است زیرا دست اندرکاران دیپلماسی رژیم صهیونیستی از اصل راهنمای تاریخی که حمایت از این رژیم نباید به یک موضوع سیاسی تفرقه انگیز در کشورهای دارای جوامع بزرگ یهودی تبدیل شود، دور شده اند. این تحول منجر به وضعیتی شده است که ملت یهود بیشتر به یک عنصر تفرقه انگیز برای یهودیان تبدیل شده است تا یک نیروی متحد کننده، و بسیاری از جماعت ها را وادار به اجتناب از هرگونه بحث در مورد رژیم صهیونیستی کرده است.

یکی دیگر از چالش های مهم در رژیم صهیونیستی در رابطه با دایاسپورا، دادن امکان دخالت یا اثرگذاری آن ها در سیاست های رژیم در این زمینه است؛ گاه به گاه این ایده مطرح می شود که رژیم صهیونیستی باید در مورد تصمیماتی که می تواند بر یهودیان خارج از کشور تأثیر بگذارد، صدای رسمی به نمایندگان یهودیان دایاسپورا بدهد. در همین راستا، در سال ۲۰۲۰ در کنست قوانینی برای تسهیل ایفای نقش رهبران دایاسپورای رژیم صهیونیستی در نقاط مختلف جهان در روند سیاست گذاری های این رژیم در این زمینه پیشنهاد شد. اما این مساله با مخالفت های جدی در داخل مواجه است و جریان قدرتمندی در این کشور معتقدند که رژیم صهیونیستی به عنوان یک کشور (رژیم) مستقل، نباید هیچ بخشی از حاکمیت خود را، هرچند کوچک، با یهودیان خارج از کشور تقسیم کند. به اعتقاد آن ها، رژیم صهیونیستی در قوانین خود نسبت به دایاسپورا بسیار سخاوتمند بوده است و در حالی که در سال های اخیر در سراسر جهان غرب، حمایت از اعمال محدودیت برای مهاجرت افزایش یافته است، اما «قانون بازگشت» رژیم صهیونیستی تغییر نکرده است و برای چندین دهه، این رژیم به یهودیان دایاسپورا حق اسکان در این کشور را داده است. بنابراین، آن یهودیانی که از استفاده از این فرصت خودداری کرده اند، در صورتی که رژیم صهیونیستی شرایط قانون را محدود کند یا قوانین دیگر را تغییر دهد، نباید هیچ گونه حق قانونی یا رسمی مداخله داشته باشند.

از دید این گروه، برخلاف گذشته که آینده یهودیان جهان بر دو ستون، دولت رژیم صهیونیستی و یهودیان آمریکا، تکیه داشت، چنین ارزیابی ای دیگر معتبر نیست، زیرا یهودیان آمریکا، با همسان سازی گسترده (که ازدواج مختلط تنها یکی از بیان های اصلی آن است) و گرایش های اصلی اکثریت آن به اصول کلی لیبرال و نه اصول یهودی، هیچ نوید بزرگی برای آینده یهودیان ندارد. آن ها ادعا می کنند رژیم صهیونیستی قوی تر شده و شروع به ادغام بیشتر خود در واقعیت سیاسی خاورمیانه کرده است. اختلاف قدرت، نفوذ و اهمیت بین این دو نهاد افزایش یافته است و رژیم صهیونیستی نباید به آن ها صدایی برای اثرگذاری بر سیاست های خود بدهد.

چالش دیگر در رابطه با سیاست های رژیم صهیونیستی در حوزه دایاسپورا، کاهش همگرایی و اتفاق نظر در بین این جمعیت و تردید و اختلاف نظر درباره آینده این رژیم به عنوان یک دولت دموکراتیک است. موضوعی که به ویژه در بین یهودیان ساکن آمریکا برجسته است؛ از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، حمایت از امنیت این کشور و توسعه اقتصادی آن و تحکیم روابط دیپلماتیک آن با ایالات متحده، «دین» بسیاری از یهودیان آمریکایی بوده است. این مأموریت باعث جمع آوری کمک مالی و ایجاد همبستگی در میان جوامع یهودی در سراسر آمریکا شد. اما در حال حاضر، بسیاری از یهودیان آمریکایی باید تمرکز جدیدی برای علاقه خود پیدا کنند. زیرا اگر بنیامین نتانیاهو نخست وزیر با کودتای قضایی خود موفق شود استقلال قوه قضائیه کشور را در هم بشکند، تمامی کنیسه ها و سازمان های جمعی یهودی در آمریکا در رابطه با رژیم صهیونیستی دچار انشقاق خواهند شد. به بیان ساده: رژیم صهیونیستی با بزرگترین درگیری داخلی خود از زمان تأسیس خود مواجه است و این مساله بدون تردید بر جمعیت دایاسپورای آن به ویژه در آمریکا تاثیرگذار است. البته واقعیت این است که انشقاق بین یهودیان آمریکا و رژیم صهیونیستی از گذشته آغاز شده است اما سیاست ها و اقدامات نتانیاهو در دو دهه اخیر آن را تشدید کرده است. او به طور فزاینده ای با رادیکال کردن پایگاه خود، حمله به نهادهای قانونی، رسانه ای و دانشگاهی رژیم صهیونیستی و تحریک وفاداران خود علیه یهودیان میانه رو و چپ و اعراب ساکن این رژیم به دنبال پیروزی در انتخابات بوده است. در زمان نتانیاهو، دولت های رژیم صهیونیستی به دنبال هر راه ممکن برای اجتناب از روند صلح با فلسطینی ها بودند. نتانیاهو و تیمش همچنین یهودیان لیبرال آمریکایی را طرد و آنها را نژادی در حال مرگ تلقی کردند و در عوض انرژی خود را بر حمایت از رژیم صهیونیستی با جمهوریخواهان و پایگاه انجیلی آنها متمرکز کرده اند.

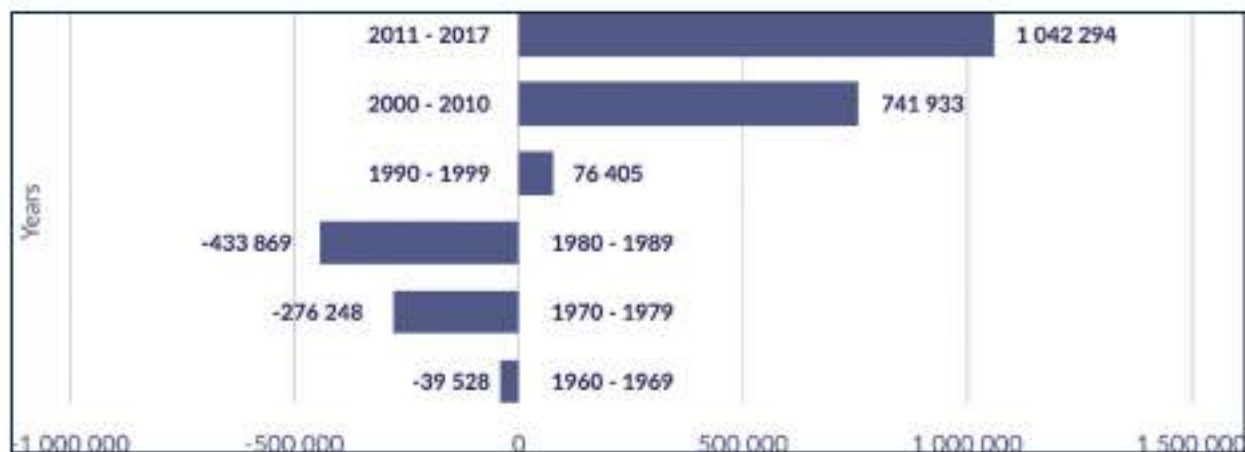
# کشور لبنان

لبنان در شرق مدیترانه واقع شده و بین ۲/۵ تا ۷ میلیون نفر جمعیت دارد. این کشور دارای سابقه‌ی طولانی در مهاجرپذیری و مستعد مهاجرت است. در حال حاضر حدود ۴ تا ۱۴ میلیون لبنانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند، اما آمار رسمی در مورد جمعیت مهاجر وجود ندارد و هیچ سازمان دولتی وضعیت دایاسپورا را ردیابی و رصد نمی‌کند. لبنان کشوری با تنوع فرهنگی بالاست: ۵۹/۷٪ مسلمان، ۳۶٪ مسیحی و بقیه هم پیروان ادیان دیگر. همین تفاوت در آمار مهاجرین لبنانی نیز مشهود است؛ ترکیبی از مسیحیان، مسلمانان، دروزیان و یهودیان. در ادامه، پس از بررسی تاریخچه مهاجرتی لبنان و پراکندگی جغرافیایی آن، به تعاملات پیچیده دایاسپورای لبنان با جنگ و سیاست پس از جنگ پرداخته شده و سپس ارتباط جوامع دایاسپورایی لبنان با نهادهای حکومتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباط و مشارکتی که هرچند به دنبال توسعه و پیشرفت است اما ماهیت مدل حکومت‌داری مبتنی بر احزاب لبنان را به چالش نمی‌کشد. شاید تکه تکه شدن سیاسی لبنانی‌ها در خارج از کشور، معنای تکثر قومی و مذهبی آنان را تداوم بخشد، اما درک "زمینه‌ی پراکندگی دایاسپوریک" الزام توجه به سیاست‌گذاری دولت در قبال جوامع مهاجرین را برجسته می‌سازد.

### تاریخ دایاسپورا:

- اولین مهاجرت بزرگ لبنانی‌ها، مربوط به سال ۱۸۶۰ و در پی فتنه‌ی امپراطوری عثمانی و کشتار جمعیت مارونی و دروزی روی داد. در بین سال‌های (۱۹۱۹-۱۸۶۵) ۳۰۰/۰۰۰ یعنی جمعیتی بالغ بر یک سوم کل جمعیت لبنان مهاجرت کردند.
- مهاجرت پس از سال ۱۹۲۹ به دلیل رکود جهانی کاهش یافت، با این حال، موج کوچکتری از مهاجرت بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۷۵ رخ داد که در مجموع ۶۳۰۰۰ نفر از لبنان مهاجرت کردند.
- دومین مهاجرت دسته جمعی در خلال جنگ داخلی بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰ بود که حدود یک میلیون نفر از لبنان خارج شدند. از سال ۱۹۸۰، موج مهاجرت کارگران غیر متخصص به کشورهای توسعه یافته اتفاق افتاد که به لبنان بازنگشتند. پس از سال ۱۹۸۰، دلیل گسترش مهاجرت، عدم توسعه‌ی بستر تحصیلات دانشگاهی و کمبود شغل در لبنان بود.
- موج سوم بین سال‌های (۱۹۹۱-۲۰۰۹) بود و طی آن حدود ۴۰۰/۰۰۰ نفر را درگیر کرد.

- پس از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۲. روند مهاجرت کاهش یافت، اما فروپاشی اقتصادی و بحران های سیاسی مداوم پس از سال ۲۰۱۹ باعث موج چهارم مهاجرت شد. بانک جهانی پیش بینی کرد که بهبود بحران اقتصادی بین ۱۲ تا ۱۹ سال طول می کشد. نرخ مهاجرت که در سال ۲۰۱۷، در هر ۱۰۰۰ نفر به ۲۱ نفر می رسید در سال ۲۰۲۱ به ۹۱ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر جهش یافت.
- پس از سال ۲۰۲۱ و عدم آرامش اقتصادی در لبنان، موج ششم مهاجرت با سرعت بیشتری آغاز شده است.



موج ها و دوره ای مختلف مهاجرت از لبنان (۱۹۶۰-۲۰۱۷)

### پراکندگی جغرافیایی دایاسپورا:

جنگ داخلی لبنان یا "حرب أهلية لبنانية" (۱۹۷۵-۱۹۹۰) سطح و نوع مهاجرت و حوزه های ژئوکالچر و ژئواکونومی انسانی را در لبنان تغییر داد و مبنایی در تحولات مهاجرتی لبنان - به قبل و بعد از جنگ - شمرده می شود.

#### • قبل از جنگ :

در اواخر قرن نوزدهم، لبنان و سوریه جز امپراطوری عثمانی بودند. جنگ و قحطی در این دوران باعث مهاجرت جمع کثیری از بازرگانان لبنانی و دریانوردان برای بهبود وضعیت معیشتی خود، به قاره ی آمریکا و مخصوصا برزیل شد. ناسازگاری با سیاست های فرهنگی و اقتصادی حکام عثمانی بزرگترین دلایل این مهاجرت جمعی عرب زبانان مسیحی و مسلمان به آن سوی دنیا بود.

آثار شدید محاصره ی عثمانی در طول جنگ جهانی اول و استقرار قیمومیت فرانسه باعث افزایش مجدد خروج از کشور شد.

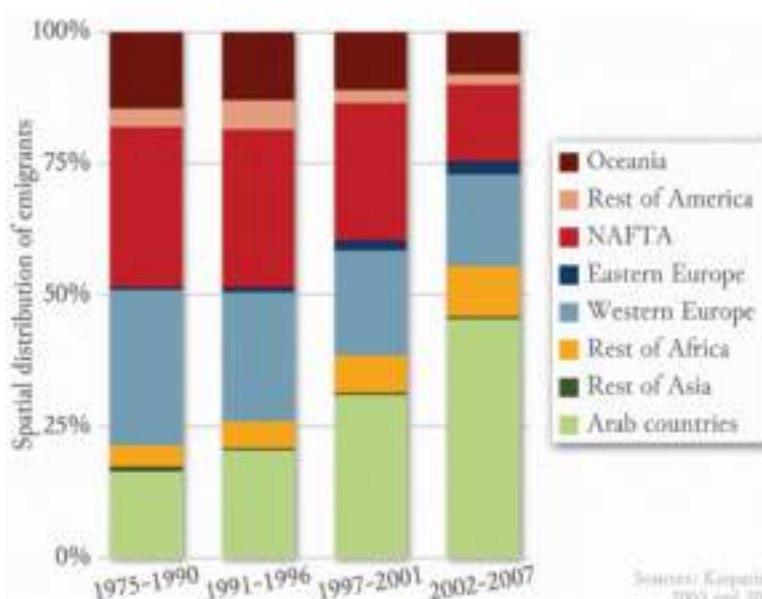
در نیمه ی اول قرن بیستم، عمده ی مقصد و تمرکز مهاجران لبنانی تبار در دو منطقه بود: آمریکای شمالی، به ویژه ایالات متحده، و آمریکای جنوبی (برزیل و آرژانتین بیشترین جمعیت مهاجر را پذیرش کردند). مصر و شمال آفریقا نیز مآمن بسیاری از مسیحیان لبنانی به ویژه ارامنه، بعد از موج کشتار ۱۸۶۰ بود. این موج مهاجرت، در پی استقلال لبنان از سلطه ی فرانسه و تأسیس دولت لبنان در سال ۱۹۴۳، به سراسر جهان، یعنی استرالیا، اروپای غربی، کشورهای خلیج فارس و غرب آفریقا ادامه یافت.

### • زمان جنگ:

در میانه ی جنگ و در سال ۱۹۸۲ با یورش رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان، بسیاری از لبنانی ها به آلمان، سوئد و اروپای غربی پناه بردند. کشور فرانسه، محبوب ترین مقصد در آن دوران بود زیرا زبان فرانسوی در لبنان دومین زبان محاوره ای محسوب می گردید. ترکیب جمعیتی این مهاجران آمیخته ای از کارگران غیر حرفه ای جویای کار، افراد آسیب دیده از جنگ و خانواده های طبقه ی متوسط بود.

### • بعد از جنگ:

وجه تمایز دیاسپورا در این مدت (۲۰۰۹-۱۹۹۱)، فزونی شمار لبنانی هایی بود، که به منظور کار در کشورهای حوزه ی خلیج فارس، اغلب در سمت های مدیریتی و فنی، مهاجرت کرده اند. دامنه ی این حرکت به آمریکای شمالی، اروپای غربی و تا حدودی اروپای شرقی و آفریقا گسترش یافت به گونه ای که امروزه این چهار منطقه میزبان بیش از ۸۰٪ از شهروندان لبنانی مقیم خارج هستند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (۴۰٪)، آمریکای شمالی (۲۳٪) و اروپا (۲۱٪).



مقاصد مهاجرتی مهاجرین لبنانی ها (۱۹۷۵-۲۰۰۷)

در حال حاضر بیشترین جمعیت لبنانی خارج از خاورمیانه در امریکای لاتین اقامت دارند. به گزارش وزارت خارجه برزیل، بین ۷ تا ۱۰ میلیون نفر لبنانی تبار شهروند برزیل هستند و بین ۱ تا ۳ میلیون نفر در کلمبیا و آرژانتین زندگی می کنند. مؤسسه ی آمار و جغرافیای برزیل (IBGE) در یک تحقیق تبارشناسانه اعلام کرد که حدود یک میلیون برزیلی منشأ خانوادگی از شرق مدیترانه دارند. این مهاجران عرب‌زبان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روزنامه‌ها و کتاب‌های عربی بسیاری در برزیل منتشر کردند، به طوری که برزیل به یکی از مراکز مهم جنبش مشهور «النهضة» یا «رسانس عربی» در آن سال‌ها تبدیل شد.



میزان و گستره پراکندگی دایاسپورای لبنان (سبز تیره بالای ۱ میلیون نفر)

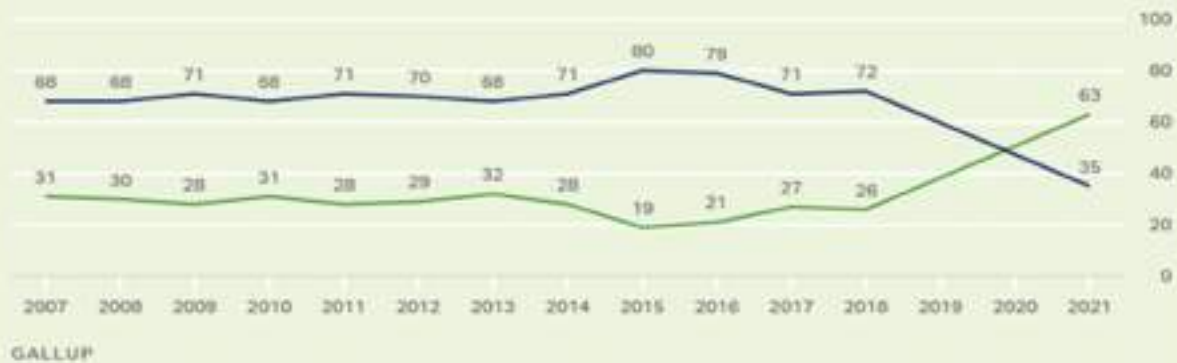
### قشر بندی دایاسپورای لبنانی:

ساختار جامعه ی دایاسپورا بعد از جنگ به مجموعه ای از اقتصاد پویا، کارآفرین و تحصیل مدار دگرذیسی یافت. سطح تحصیلات عالی جوانان در داخل لبنان ۲۳٪، اما در بین جوانان مهاجر ۴۳٪ است. مهاجران کارگر دو قرن پیش، به کلی تغییر یافته و نقش های کلیدی در آینده ی کشورهای محل اقامت خود ایفا می کنند. از زمان جنگ داخلی، فرار مغزها و مهاجرت، از عناصر ثابت خانواده های لبنانی شد و با سقوط وضعیت زندگی و قدرت معیشت داخلی، گرایش شدید به مهاجرت بدون بازگشت، شتابی بیشتر گرفت. مؤسسه «گالوپ» اعلام کرده که بیش از ۶۳٪ مردم لبنان در سال ۲۰۲۱، آرزوی مهاجرت به کانادا و آلمان را دارند.



### Desire to Migrate in Lebanon Hits Record High

— % Like to move to another country — % Like to stay in this country



GALLUP

افزایش تمایل مردم لبنان برای پیوستن به دایاسپورا (۲۰۰۷-۲۰۲۱)

### رابطه دایاسپورا و سرزمین لبنان :

ارتباط مهاجرین لبنانی با کشورشان پیچیده و چند لایه است:

• ارتباط سیاسی: مدل سیاسی لبنان بر اساس تقسیمات مذهبی و فرقه ای کشور، پیکره بندی می شود. شکاف نهاد حکمرانی، باعث ضعف در ساختار ملی و فراملی می گردد. اثرات مشارکت مهاجرین لبنانی در تحولات سرزمین مادری، گسل و شکاف را در ساختار دایاسپورا پدیدار کرده است. هرگاه در داخل لبنان درگیری جناحی و یا جنگ رخ داده، حمایت مهاجرین از طیف داخلی که خود را متعلق آن می دانستند، شدت گرفته است. این جانب داری دو وجه داشته؛ از نظر اقتصادی سازنده بوده ولی گاهی بر تخصم و بنیان نزاع افزوده است. در زمان جنگ داخلی، جامعه ی شیعه در غرب آفریقا به ویژه سنگال، بستر حمایتی برای جنبش امل فراهم کرد در حالی که مسیحیان لبنانی در آمریکای شمالی تلاش کردند تا پایگاه قدرت احزاب مسیحی را تحکیم کنند.

پس از خروج نیروهای نظامی سوریه در آوریل ۲۰۰۵، لبنان به دو دسته کلی تقسیم شد: ائتلاف ۸ مارس ( حزب الله و متحدان شیعه آن ) و ائتلاف ۱۴ مارس ( اهل سنت و طرفداران رفیق حریری). دایاسپورای لبنان نیز تحت تاثیر این شکاف قرار گرفت و به دنبال اهداف این احزاب در کشورهای مختلف و حمایت از منافع آنان بودند.

از سال ۱۹۴۳، مواضع متناقضی بر سر روابط منطقه ای و بین المللی و همچنین هویت ملی لبنان وجود داشته است.

در حالی که برخی از جناح‌ها خواستار روابط نزدیک‌تر با غرب شده‌اند، برخی دیگر، خواستار ارتباطات ریشه‌دارتر منطقه‌ای با کشورهای عربی و ایران هستند. سیاست‌های دایاسپورای لبنان نیز به‌طور پیچیده‌ای با قطبی شدن سیاسی در این کشور مرتبط بوده و نشان‌دهنده اتحادهای محلی و فراملی پراکنده لبنان است. این امر ظهور یک دایاسپورای یکپارچه و استراتژیک را که می‌تواند بر نوآوری در حل مناقشه تأثیر زیادی بگذارد، خشی کرده است.

• ارتباط اقتصادی و فرهنگی: انجمن‌های دانشجویی لبنانی در سراسر جهان تلاش دارند تا با حرکتی نو و فراملی، دیدگاهی غیر فرقه‌ای و حزبی از لبنان به نمایش بگذارند. در سال‌های اخیر، گسترش سازمان‌های فرهنگی، اقتصادی-اجتماعی و خیریه مبتنی بر دایاسپورا و آنان را به بازیگران جدیدی در توسعه و کارآفرینی در لبنان مبدل ساخته است. برای مثال در سال ۲۰۱۳ اتحادیه‌ای از سازمان‌های فعال دایاسپورا برای کمک به توسعه‌ی اکوسیستم فناوری لبنان، راه‌اندازی شد.

در طول جنگ داخلی و حملات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در جولای ۲۰۰۶ و کمک به آسیب‌های ناشی از جنگ، جامعه مهاجرین نقش بزرگی ایفا کرده‌اند. این تلاش‌ها گاهی باعث کاهش فشار افکار عمومی بر دولت، در جریان نیاز به اصلاح ساختار اقتصادی شده و به کمک حاکمیت آمده است.

برخی از نهادها در دایاسپورا سعی در ایجاد هویت لبنانی-دینی و تقویت آن در نسل دوم که فراگیری زبان عربی را کنار نهاده‌اند، دارند. اما یک مطالعه‌ی آنلاین، با تمرکز بر دایاسپورای لبنانی در کانادا و فرانسه، نشان داد که وبسایت‌های مسیحی و مسلمان با یکدیگر تعامل ندارند و این امر نشان‌دهنده‌ی پراکندگی فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی دایاسپورا در راستای خطوط مذهبی است. در کل انجمن‌های دایاسپورا با محوریت مذهبی تلاش می‌کنند تا جامعه مذهبی فراملی را متحد کرده و همبستگی هویتی لبنانی مبتنی بر دین را تحکیم کنند و روند ارتباط فرهنگی خود با درون لبنان را نیز در امتداد این روند، قرار داده‌اند.

## دولت لبنان و دایاسپورا:

دولت لبنان از دو طریق رسمی (وزارت امور خارجه و مهاجرین "وزارة الخارجية والمغتربين" تاسیس ۱۹۹۴) و غیر رسمی (کانال‌های جذب سرمایه و مشارکت) به ارتباط با لبنانی‌های خارج از کشور می‌پردازد.

جذب مشارکت دایاسپورا در انتخابات: دولت لبنان با تصحیح قانون انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۸ - که به اتباع لبنانی در خارج از کشور حق رای داد که به صورت آنلاین یا از طریق سفارتخانه ها و کنسولگری ها رای دهند- و تسهیل اعطای ملیت لبنانی برای فرزندان مهاجر در سال ۲۰۱۵، توانست زمینه ی مشارکت بیش از ۴۵۰۰۰ لبنانی را در خارج از کشور فراهم کند. برخی از احزاب سیاسی و نیروهای لبنانی نیز، از طریق پلتفرم های آنلاین، برنامه های کاربردی تلفن همراه و ابزارهای دیگر برای تعامل با دایاسپورا بهره بردند. در سال ۲۰۱۸، وزیر امور خارجه و مهاجرت اعلام کرد که شش کرسی پارلمان برای رای دایاسپورا اختصاص یافته تا فرصت بیشتری برای نقش آفرینی مهاجرین لبنانی در توسعه ی سیاسی فراهم گردد.

جذب سرمایه گذاری اقتصادی: دولت لبنان در قالب حواله های تجاری و بانکی، تلاش دارد تا از ظرفیت های اقتصادی و مالی جامعه مهاجرین، برای ارتقا و مقابله با رکود اقتصادی مبارزه کند. طی ده سال بین سال های ۲۰۱۳-۲۰۰۳، ارزش این حواله ها از ۲/۷ میلیارد دلار به ۶/۹ میلیارد دلار (۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی) افزایش یافت. بر اساس گزارش بانک جهانی، حواله های ارسالی به لبنان در سال ۲۰۲۰ با شیوع جهانی ویروس کرونا و تضعیف اعتماد به بانک های لبنان، همچنان ۶/۳۱ درصد افزایش یافته است.

در سال های اخیر، وزارت امور خارجه لبنان طرحی را به نام « انرژی دایاسپورا لبنان» راه اندازی کرد، که هر سال در کنفرانسی با دعوت از مهاجران از نظرات و طرح های آنان، در موضوعاتی که بنیان توسعه و بازسازی را قوام می بخشد، استقبال می کند. مهاجران همچنین می توانند با همکاری با دولت لبنان مدارسی را که منطبق با سیاست های آموزشی لبنان است، در خارج از کشور تاسیس کنند.

درکنار فعالیت های دولت لبنان، سازمان ملل نیز از طریق دو طرح: "TOKTEN" و "LIVE Lebanon" سعی در تولید دانش، توانمند سازی های محلی، پروژه-ی مشترک بین دایاسپورا و زیست بوم های داخل لبنان دارد.

## چالش های دولت لبنان در پدیده مهاجرت :

دولت لبنان توانسته مهاجرتی را که ریشه ی تاریخی دارد بهبود بخشد، زیرا با معضل بیکاری و مشکلات اقتصادی همچنان درگیر است، از سویی دیگر هرچند سیاست مداران لبنانی از قدرت استراتژیک مهاجرین در توسعه و بازگشت آنان استقبال می کنند ولی در عمل، سهم ۲۰٪ مهاجرین در تولید ناخالص داخلی، مانع اجرای سیاست های بنیادین برای کاهش این روند گردیده است. دایاسپورای لبنان هم قبل و هم بعد از جنگ داخلی در حال توقف یا کاهش نیست، تنیدگی فرهنگی این جامعه با ملیت های مختلف و گروه های نژادی در سراسر دنیا، باعث گردیده که یک ظرفیت بزرگ برای دولت لبنان فراهم شود، نیرویی که از جامعه ی اصلی لبنان پر تعدادتر، تحصیل کرده تر و ثروتمندترند. اگر حزب ها و گروه های سیاسی دولتی بخواهند بر شکاف داخلی دایاسپورا اضافه کنند و یا خود دایاسپورا از حمایت های جناحی و مذهبی خود از درون دولت لبنان فاصله نگیرند، این فرصت ها کم رنگ تر شده و به شکست خواهد رسید.

## نتیجه گیری و ملاحظات برای جمهوری اسلامی ایران:

• برخلاف رژیم صهیونیستی که نمونه ای استثنایی و متفاوت در این زمینه است، بسیاری از کشورها در ابتدا توجه چندانی به دایاسپورا نداشته و حتی سیاست‌هایی در راستای دفع آن‌ها اعمال می‌کرده‌اند. اما به تدریج با ادغام بیش از پیش اقتصاد جهانی، افزایش نقش و اهمیت جوامع دایاسپورا در روند توسعه و همچنین قابلیت اثرگذاری منفی و یا مثبت آن‌ها بر سیاست خارجی و تصویر بین‌المللی کشورها، توجهات به این جوامع افزایش یافت و دولت‌های مختلف سیاست‌های دقیق و هدفمندی را به منظور ارتباط‌گیری و جذب جوامع مذکور به جامعه مادر اتخاذ کردند. امروزه بسیاری از کشورها جمعیت دایاسپورای خود را باعث افتخار یا اهرم قدرت و اثرگذاری بین‌المللی خود می‌دانند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران نیز باید سیاست دقیق و مدونی در این زمینه داشته و ضمن تلاش برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در جامعه دایاسپورای خود، با چالش‌های بالقوه در این حوزه مقابله کند.

• کشورهای مختلف جهان تجربیات، ظرفیت‌ها و چالش‌های متفاوتی در حوزه دایاسپورا دارند و طبیعتاً نمی‌توان یک الگوی واحد و مشترک برای همه آن‌ها تعریف و تجویز کرد. به عنوان مثال، هند با توجه به ساختار و ظرفیت دولت و الگوی توسعه خود، در سیاست‌گذاری دایاسپورایی نیز از الگوی خاص خود پیروی می‌کند. در این الگو دولت چندان تمایلی به برنامه‌ریزی مرکزی و مداخلات گسترده ندارد و تنها نقش یک تسهیلگر را ایفا می‌کند. از این منظر این الگو در طیف مقابل الگوی چینی قرار می‌گیرد که در آن دولت بصورت گسترده مداخله نموده و بر اساس الگوی برنامه‌ریزی مرکزی پیش می‌رود. بنابراین، هر گونه طراحی سیاستی باید با توجه به مختصات دایاسپورا، ظرفیت دولت و الگوی توسعه ملی پیش رود. با این حال، بررسی و رصد اقدامات و ابتکارات دیگر کشورها ضمن فراهم کردن امکان طرح و پیگیری ایده‌های ابتکاری می‌تواند بستر مناسبی را برای اقدامات موثرتر و اثربخشی سریع‌تر در رابطه با دایاسپورا فراهم کند.

• واقعیت موجود در رابطه با کشورهای که سیاست دایاسپورایی قوی و موفق داشته اند، این است که اکثر آن ها از جذابیت اقتصادی و ثبات سیاسی کافی بهره مند بوده اند و این مساله به عنوان یک انگیزه و مشوق اصلی و اولیه برای جوامع دایاسپورای این کشورها مطرح بوده است. در چین، جذابیت اقتصاد در حال رشد و ثبات سیاسی، بسیاری از اعضای دایاسپورای این کشور را جهت سرمایه-گذاری و در مواردی بازگشت به وطن ترغیب کرده است. بنابراین، طراحی، پیگیری و اثرگذاری سیاست های مرتبط با حوزه دایاسپورا نمی تواند و نباید بدون در نظر گرفتن واقعیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مادر باشد.

• موضوع مهم و قابل توجه دیگر در رابطه با عملکرد و تجربیات موفق دیگر کشورها در حوزه دایاسپورا، نهادسازی قوی و موثر در سطح ملی از سوی این کشورها بوده است؛ به گونه ای که اکثر آن ها یک وزارت خانه برای این امر اختصاص داده یا سیاست ها و برنامه های مربوطه را در قالب یک اداره قوی و کارآمد در وزارت خارجه پیش می برند.

• نکته برجسته دیگر در سیاست های دایاسپورایی کشورهای مورد مطالعه، اعتماد و میدان دهی دولت به بخش خصوصی و دایاسپورای خود برای تاسیس نهادهای متعدد آموزشی و ترویجی است. در واقع دولت بدون آنکه دخالت مستقیمی نماید، دست بخش خصوصی را در این زمینه باز گذاشته و از سرریز های آن در انتقال دانش و فناوری و به تبع آن در توسعه خود بهره می برد. این مساله نشان دهنده بستری است که دایاسپورا برای شکوفایی به آن نیاز دارد و هرگونه سیاست گذاری باید توجه به چنین بستری صورت پذیرد. کشور هند یکی از موفق ترین نمونه ها در این زمینه است که توانسته نتایج خوبی نیز از اعتماد به بخش خصوصی و جوامع دایاسپوار حاصل کند.

• تجربه سیاست های چین نشان دهنده آن است که سیاست های جذب استعدادها و کارآفرینان باید با توجه به گروه هدف تدوین گردند. در نمونه چین، استانداردهای پیش از حد بالا و نامتناسب با گروه هدف موجب شده است تا برنامه های جذب استعدادها چندان نتوانند به موفقیت دست یابند. این موضوع باید در تدوین سیاست های جذب استعدادها و حتی سرمایه مورد توجه واقع گردد. عدم یکپارچگی، مجوزهای متعدد و وجود متولیان متعدد در سطح نظام جذب استعدادها و کارآفرینان یکی از عواملی بوده که فرایند جذب را در چین دشوار کرده بود. با پی بردن به این مانع، بر اساس کارایی سیستم، یکپارچگی مجموعه های درگیر و اصلاح موانع بوروکراتیک یکی از اصلاحات سیاستی بوده که می توان به عنوان درسی سیاستی به آن توجه نمود.

- با توجه به تجربه هند در تاسیس پارک های فناوری، بنظر می رسد که تاسیس واحد های کوچک و متوسط مقیاس کانال مفیدی برای انتقال فناوری و دانش دایاسپورای کشور باشد.
- اعطای شهروندی به هندی های خارج از کشور (از جمله هندی الاصل ها) یکی از ابتکارات مهم سیاستی است که توسط دولت هند صورت پذیرفته است. این مساله می تواند امکان نقش آفرینی دایاسپورا را در حوزه های مختلف بوجود آورد. در واقع تلاش های هند نشان دهنده عزمی جدی برای شخصیت و اعتبار بخشیدن به دایاسپورای خود برای مشارکت در توسعه هند است. این ابتکار علاوه بر شمولیت بخشیدن به دایره دایاسپورا، توانسته تا حد زیادی از مشکلات به رسمیت شناخته نشدن تابعیت مضاعف بکاهد. بدین ترتیب و با توجه به وضعیت ایران، این ابتکار می تواند مورد توجه سیاست گذاران ایرانی قرار گیرد.
- طرح های فرهنگی برخی کشورها برای آشنایی نسل دوم و سوم دایاسپورا با هویت، فرهنگ، تاریخ و وضعیت جوامع مادر مانند طرح رژیم صهیونیستی در قالب Birthright و طرح هند برای هندی الاصل ها و نسل های دوم به بعد مهاجران برای آشنایی با هند همچون طرح "هند را بشناس" و بورسیه های تحصیلی برای فرزندان هندی های خارج از کشور، یکی از سیاست هایی است که می تواند برای سیاست گذاران ایرانی جهت برقراری ارتباط با دایاسپورای ایرانی - بخصوص نسل دوم به بعد - مفید واقع شود.

- Agarwal, G. (2017). Comparing Indian and Chinese Engagement with their diaspora. ICS Analysis, 5-1 ,44
- Ajluni, Salem., and Mary Kawar (2015) Towards Decent Work in Lebanon: Issues and Challenges in Light of the Syrian Refugee Crisis. (Report). Kuwait: International Labour Migration, Regional Office for Arab States.
- Alkantar, Bassem (2016) 'Lebanese Diaspora: The Imagined Communities - History and Numbers.' Libc.net, July 30. Available at: <https://web.archive.org/web/20200920010756/https://libc.net/30/07/2016/lebanese-diaspora-the-imagined-communities-history-and-numbers/>.
- Asal, H. (2012). Community sector dynamics and the Lebanese diaspora: Internal fragmentation and transnationalism on the Web. Social Science Information, 520-502 ,(4)51.
- Audebert, Cédric., and Doraï, Muhammad K (eds.) (2010) Migration in a Globalised World: New Research Issues and Prospects. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Azzi, Aline (2021) 'Lebanon Ranked 12th Worldwide in Remittances Received per GDP,' Blom Bank Group, The Research Blog [blog], September,6,<https://blog.blominvestbank.com/41452/lebanon-ranked-12th-worldwide-in-remittance-received-per-gdp/>
- Davtyan, L. (2014). Israel's diaspora policy: the changing relations between the state and the diaspora (Doctoral dissertation). Available at: <https://dspace.aua.am/xmlui/handle/554/123456789>
- De bel air, Françoise (2017) Migration Profile: Lebanon. (Report 2017/17). Florence: EUI. Available at:[https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/46504/1814/RSCAS\\_PB\\_12\\_2017\\_MPC.pdf](https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/46504/1814/RSCAS_PB_12_2017_MPC.pdf).
- Devesh, Kapur. (2010) Diasporas and Technology Transfer, Journal of Human Development, 286-265 ,2:2
- Diaspora Engagement Mapping: China (2023). European Union Global Diaspora Facility. Available at: <https://diasporafordevelopment.eu/>
- Fakhoury, Tamirace (2018) Lebanese Communities Abroad: Feeding and Fuelling conflicts. (Research Paper). Paris: Arab Reform Initiative, 5 December. Available at: <https://www.arab-reform.net/publication/lebanese-communities-abroad-feeding-and-fuelling-conflicts/>.



- Fakhoury, Tamirace. 2014. "Do Power-Sharing Systems Behave Differently amid Regional Uprisings? Lebanon in the Arab Protest Wave." *Middle East Journal*, 520–505 :(4) 68.
- Financial Express (2023). Remittances to India Cross \$100-billion mark in 2022. Available at: <https://www.financialexpress.com/economy/remittances-to-india-cross-100-billion-in-2022-first-country-to-hit-the-mark/3057688/>
- Gangopadhyay, A. (2005). India's Policy towards its Diaspora: Continuity and Change. *India Quarterly*, .122-93 ,(4)61
- Hegde, R. S. (2018). Renewing diasporic bonds and the global branding of India. In R. S. Hegde & A. K. Sahoo (Eds.), *Routledge handbook of the Indian diaspora* (pp. 281–269). Milton Park/ New York: Routledge.
- Hourani, Guita (2007) *Lebanese Diaspora and Homeland Relations*. Conference.
- IOM UN Migration. (2022). *World Migration Report 2022*. Available at: <https://publications.iom.int/books/world-migration-report-2022>
- Koinova Maria. 2011. "Can Conflict-generated Diasporas be moderate actors during episodes of contested sovereignty?" *Lebanese and Albanian diasporas compared*, *Review of International Studies* 462-437 :(1) 37.
- Leichtman, Mara A. 2010. "Migration, War, and the Making of a Transnational Lebanese Shi'i Community in Senegal." *International Journal of Middle East Studies* 290–269:(2) 42.
- Loshky, Jay, (2021). *Leaving Lebanon: Crisis Has Most People Looking for Exit* , August 3, Available at: <https://news.gallup.com/poll/357743/leaving-lebanon-crisis-people-looking-exit.aspx>.
- Manfred Gerstenfeld (2020). *Do Not Give Diaspora Jews a Formal Voice in Israel*. Begin-Sadat Center for Strategic Studies. Available at: <https://besacenter.org/diaspora-jews-israel-policies>
- Koinova, M. (2011). Can conflict-generated diasporas be moderate actors during episodes of contested sovereignty? *Lebanese and Albanian diasporas compared*. *Review of International Studies*, 462-437 ,(1)37.
- Mashayekhi, M., & Branch, C. D. (2009, July). *Contribution of migrants to development: Trade, investment and development linkages*. In PowerPoint presentation to the Ad Hoc expert Meeting on the Contribution of Migrants to Development: Trade, Investment and Developmental links. Geneva (Vol. 29).

- Ministry of External Affairs, Government of India (2023). Overseas Citizenship of India Scheme. Available at: <https://mea.gov.in/overseas-citizenship-of-india-scheme.htm>
- Ministry of External Affairs, Government of India (2023). Population of Overseas Indians. Available at: <https://www.mea.gov.in/population-of-overseas-indians.htm>
- Nadav Tamir. (2021). Israel's Relations With Diaspora Jewry: Can the Rift Be Healed? A Practical Start. Available at: <https://jstribune.com/nadav-tamir-israel-relations-with-diaspora-jewry/>
- Naujoks, Daniel(2020). "Diaspora Policies, Consular Services and Social Protection for Indian Citizens Abroad". pp 181-163 IMISCOE Research Series book series (IMIS)
- Pearlman, W. (2014). Competing for Lebanon's diaspora: Transnationalism and domestic struggles in a weak state. *International Migration Review*, 75-34 ,(1)48.
- Skulte-Ouaiss, J., & Tabar, P. (2015). Strong in their weakness or weak in their strength? The case of Lebanese diaspora engagement with Lebanon. *Immigrants & Minorities*, 164-141 ,(2)33
- Statista (2022). Distribution of overseas Chinese population as of December 2011 and 2021, by continent. Available at: <https://www.statista.com/statistics/632779/chinese-population-distribution-overseas-by-continent/>
- Tabar, Paul. (2010) Lebanon: A Country of Emigration and Immigration. (Report). Beirut: Lebanese American University, Institute for Migration Studies. Available at: <https://documents.aucegypt.edu/Docs/GAPP/Tabar080711.pdf>
- Tabar, P., & Denison, A. (2020). Diaspora policies, consular services and social protection for Lebanese citizens abroad. *Migration and social protection in Europe and beyond*, 215-199 ,3.
- Thomas L. Friedman. (2023). American Jews, You Have to Choose Sides on Israel. *New York Times*. Available at: <https://www.nytimes.com/03/2023/07/opinion/benjamin-netanyahu-israel-protests.html>
- Tigran Yegavian. (2022). Diaspora Models, Part 3: Israel. Available at: <https://evnreport.com/raw-unfiltered/diaspora-models-part-3-israel/>
- Verdeil, Éric. and Dewailly, Bruno, (2019), *ATLAS OF LEBANON*, Beirut, Presses de l'Ifpo, CNRS Liban

- Weinstein, Emily. Fedasiuk, Ryan. (2020). Overseas Professionals and Technology Transfer to China. Center for Security and Emerging Technology. Available at: <https://cset.georgetown.edu/publication/overseas-professionals-and-technology-transfer-to-china/>
- William Safran (2012). Israel and the diaspora Problems of cognitive dissonance. International Migration Institute Working Paper. Available at: <https://www.migrationinstitute.org/publications/wp-12-53>
- World Bank (2020) Lebanon Economic Monitor: Deliberate Depression. (Report). Washington D.C.: World Bank
- World Bank (2023). Personal Remittances, received (% of GDP)-China. Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/BX.TRF.PWKR.DT.GD.ZS?locations=CN>
- World Bank (2023). Personal Remittances, received (% of GDP)-India. Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/BX.TRF.PWKR.DT.GD.ZS?locations=IN>



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی  
مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی  
میزان‌دیده ورزی ایرانیان خارج از کشور